

# حجت بن حسن (مهدی)

## امام شیعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ <b>محمد بن حسن -</b>	
	
نقش	امام دوازدهم شیعه
نام	محمد بن حسن -
کنیه	ابوالقاسم، احمد و ...
زادروز	نیمه شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ ه.ق. (۸۶۹ م.) برابر با دوشنبه، ۸ مرداد ۲۴۸ شمسی (سال کبیسه)
زادگاه	سامرا
لقب(ها)	حجت، مهدی، قائم، بقیه‌الله، حجة‌الله، صاحب‌الزمان، المنتظر، غائب، صاحب‌الأمر، ولی عصر، منصور، منتقم و ...
پدر	حسن عسکری
مادر	نرجس خاتون یا صیقل
طول عمر	پیش از امامت: ۲۵۵ یا ۲۵۶ (قمری) - ۲۶۰ ه.ق. (به اعتقاد شیعه دوازده امامی) دوران امامت: غیبت صغری، ۶۹ سال: ۲۶۰-۳۲۹ ه.ق. (به اعتقاد شیعه دوازده امامی) غیبت کبری، از سال ۳۲۹ ه.ق. تاکنون (به اعتقاد شیعه دوازده امامی)
علی • حسن • حسین سجاد • محمد باقر • جعفر صادق موسی کاظم • رضا • جواد هادی • حسن عسکری • مهدی	

بنابر اعتقاد شیعیان دوازده‌امامی، **حجت بن حسن** فرزند حسن بن علی عسکری (امام یازدهم شیعیان) و دوازدهمین و آخرین امام و همان مهدی موعود است. همچون پیامبر اسلام نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم است. همچنین «امام زمان»، «صاحب‌الزمان»، «ولی عصر»، «قائم آل محمد» و «مهدی موعود» از القاب اوست.

پس از مرگ حسن عسکری (امام یازدهم شیعیان) در سال ۲۶۰ هجری و سن ۲۸ سالگی، از آنجا که حسن عسکری برخلاف سایر امامان شیعه — که در زمان حیاتشان جانشین بعدی را تعیین کرده بودند — بطور علنی جانشینی برای خود برجای نگذاشته بود، بحران فکری و اعتقادی بزرگی در میان پیروان امام شیعه بوجود آمد. در این دوران که به «سال‌های حیرت» موسوم است، شیعیان به فرقه‌های متعددی منشعب شدند. عده‌ای از شیعیان اعتقاد داشتند که از حسن عسکری فرزندی باقی نمانده‌است یا این فرزند در گذشته‌است؛ بسیاری از شیعیان امامت جعفر برادر حسن عسکری را پذیرفتند و گروه‌هایی نیز متوجه فرزندان و نوادگان امامان نهم و دهم شیعه شدند. اما اصحابی از حسن عسکری چنین گفتند که «وی پسری داشته که جانشینی مشروع برای امامت است». طبق گفته عثمان بن سعید، این پسر مخفی نگاه داشته شده بود، چرا که ترس آن می‌رفت که توسط دولت دستگیر شود و به قتل برسد. دیدگاه این گروه که در ابتدا دیدگاه اقلیت شیعه بود، به‌مرور به دیدگاه تمامی شیعیان امامی تبدیل شد که شیعیان دوازده امامی فعلی‌اند.

از دیدگاه تاریخی، باور به دوازده امام و اینکه امام دوازدهم همان مهدی موعود است بطور تدریجی در میان شیعیان تکامل یافت. به نظر می‌رسد مدتی طول کشید تا این نظریه به صورت‌بندی نهایی خود برسد و پس از آن هم توجیه‌ها و تبیین‌های دینی گسترده‌ای در موردش ارائه شد. شیعیان با دو رویکرد حدیثی و کلامی به تبیین نظریه غیبت برخاستند. کلینی (و. ۳۲۹ ه.ق. / ۹۴۱ م.) در احادیث باب غیبت کتاب اصول کافی — که در خلال این دوره گرد آورد — به موضوع غیبت و علت آن پرداخت. به‌خصوص نعمانی در کتاب الغیبه به تبیین نظریه غیبت از طریق احادیث پرداخت و او برای نخستین بار

اصطلاحات «غیبت صغری» و «غیبت کبری» را به کار برد. پس از وی ابن بابویه (و. ۹۹۱-۹۹۲) در کتاب کمال الدین در خصوص گردآوری احادیث مربوط به امام دوازدهم و غیبت وی کوشید. از دیگر سو، متخصصان علم کلام از جمله شیخ مفید (و. ۴۱۳ ه.ق. / ۱۰۲۳ م.) و شاگردانش بخصوص سید مرتضی (۱۰۴۴-۱۰۴۵) به تدوین نظریات کلامی امامت جهت تبیین ضرورت وجود امام زنده در شرایط غیبت پرداختند.

در باور کنونی شیعه دوازده امامی، حجت بن حسن در نیمه شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ ه.ق. در سامرا به دنیا آمد؛ او در پنج سالگی و پس از مرگ پدرش به امامت رسید. پس از مرگ حسن عسکری، مهدی تنها از طریق چهار سفیر یا نایب با شیعیان تماس می‌گرفت. البته بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که از آغاز تعداد و کلا محدود به چهار تن نبوده و اصطلاح نیابت خاص در قرن‌های چهارم و پنجم هجری توسط علمای شیعه مانند شیخ طوسی و برای تبیین غیبت صغری ایجاد شده‌است. پس از یک دوره هفتاد ساله (موسوم به غیبت صغری) و با مرگ علی بن محمد سمري، چهارمین نایب امام دوازدهم شیعه، بار دیگر حیرت شیعیان را فراگرفت. آنها در نهایت در سده پنجم به تبیین عقلی در کلام شیعه از غیبت امام دست یافتند. به باور شیعیان، پس از دوران سفراء شیعیان با مهدی در ارتباط نیستند و این دوران را اصطلاحاً غیبت کبری می‌نامند. پس از پایان دوره غیبت، وی با عنوان مهدی قیام خواهد کرد و او کسی خواهد بود که از طریق وی حقیقت و عدالت بار دیگر به پیروزی خواهد رسید. اعتقاد به ظهور امام غایب (به عنوان مهدی)، شیعیان را در تحمل شرایط دشوار باری نموده و به آنها امید آینده‌ای سرشار از دادگری داده است تا اندازه‌ای که گفته می‌شود بدون اعتقاد به چنین نقشی برای امام دوازدهم، مذهب شیعه نمی‌توانست در مقابل آزار و اذیت سلسله‌های مختلف در تاریخ اسلام دوام بیاورد.

## منبع‌شناسی

به نوشته جاسم حسین احادیث مربوط به غیبت مهدی قائم را بسیاری از گروه‌های شیعه گردآوری کرده‌اند. پیش از سال ۲۶۰ ه. ۸۷۴ م. در آثار سه مذهب واقفیه، زیدیه، جارودیه و امامیه موجود است. از واقفیه، انماطی ابراهیم بن صالح کوفی از اصحاب امام محمد باقر کتابی به نام «الغیبه» نوشت. علی بن حسین طائمی طاطاری و حسن بن محمد بن سماعة هر یک کتابی به نام «کتاب الغیبه» نوشتند و امام موسی کاظم را به عنوان امام غائب معرفی کردند. از زیدیه ابوسعید عباد بن یعقوب رواجینی عسفری (و. ۲۵۰ ه. ۸۶۴ م.) در کتابی به نام «ابوسعید عسفری» احادیثی در خصوص غیبت، ائمه دوازده گانه و ختم ائمه به دوازده می‌آورد بی‌آنکه نام آنها را برشمرد. از امامیه علی بن مهزیار اهوازی (وکیل امام نهم و دهم) (وفات حدود ۲۵۰ تا ۲۶۰ ق.)، دو کتاب به نام‌های «کتاب الملاحم» و «کتاب القائم» نوشت که هر دو درباره غیبت امام و قیام او با شمشیر مطالبی دارد. حسن بن محبوب سراد (م. ۲۲۴ ه. / ۸۳۸ م.) کتاب «المشیخه» را در موضوع غیبت می‌نویسد. فضل بن شاذان نيسابوری (۲۶۰ ه. / ۸۷۳ م.) کتاب «الغیبه» را نوشت که ظاهراً مطالب آن از کتاب «المشیخه» نقل شده است. وی که دو ماه پیش از امام یازدهم می‌میرد، امام دوازدهم را قائم می‌داند.<sup>[۱]</sup> به نوشته پوناوالا منابع پیش از دوران موسوم به غیبت کبری بسیار پراکنده و ناکافی‌اند و مشکلی که پژوهشگران در هنگام بررسی این منابع با آن مواجه می‌شوند، میزان تاریخی بودن این منابع است.



نسخه خطی از کتاب کمال الدین و تمام النعمة اثر ابن بابویه در مورد امام زمان شیعیان و غیبت

در خلال دوره سفارت موسوم به غیبت صغری (۳۲۹-۲۶۰ ه. / ۹۴۱-۸۷۴ م.) فقها و مبلغان بر اساس اطلاعات کتب پیشین و فعالیت‌های سازمان وکالت نوشته‌اند که در کتب تاریخی این دوره یافت نمی‌شود. ابراهیم بن اسحاق نهبوندی (م. ۲۸۶ ه. / ۸۹۹ م.) که مدعی نیابت امام دوازدهم بود کتابی در موضوع غیبت نوشت. عبدالله بن جعفر حمیری (م. بعد از ۲۹۳ ه. / ۹۰۵ م.) که خود کارگزار امامان دهم و یازدهم و نواب اول و دوم بود کتاب «الغیبه و الحیره» را نوشت. ابن بابویه (پدر شیخ صدوق) (م. ۳۲۹ ه. / ۹۴۰ م.) کتاب «لامامه و التبصره من الحیره» و کلینی (م. ۳۲۹ ه. / ۹۴۰ م.) بخش عمده‌ای از کتاب حجت اصول کافی را به غیبت اختصاص داد.<sup>[۲]</sup>

از سال (۳۲۹ ه. / ۹۴۱ م.) با پایان سفارت و آغاز دوره موسوم به غیبت کبری چندین اثر برای تبیین غیبت و علت طولانی شدن آن نگاشته شد. به گفته جاسم حسین پنج اثر در این زمان نگاشته شد که اساس عقاید بعدی امامیه درباره غیبت را تشکیل می‌دهد. نخستین کتاب الغیبه نعمانی توسط ابوعبدالله محمد بن جعفر نعمانی (م. ۳۶۰ ق.) با استفاده از آثار فوق‌الذکر بدون توجه به اعتقادات نویسندگان آن آثار تدوین شده است. دومین اثر کمال الدین و تمام‌النعمة است که توسط شیخ صدوق (۳۰۶ تا ۳۸۱ ه.ق. / ۹۲۳ تا ۹۹۱ م.) بر اساس اصول اربعمائه گردآوری شده است و با توجه به جایگاه پدرش، علی بن بابویه، اطلاعات معتبری از دوران وکلا و ارتباط مخفی آنها با امام غایب از طریق چهار سفیر ارائه می‌دهد. سومین مورد الفصول العشرة فی الغیبه توسط شیخ مفید (و. ۴۱۳ ه.ق. / ۱۰۲۲ م.) نوشته شد و اطلاعات تاریخی در مورد دوران غیبت و پانزده دیدگاه پدیدار شده در میان امامیه در دوران غیبت و از میان رفتن همه آنها جز اثنی عشریه بیان می‌کند. همچنین در کتاب الارشاد به سبک کلینی و نعمانی به نقل احادیث و توجیه طولانی شدن عمر امام غایب می‌پردازد. چهارمین اثر توسط سید مرتضی (۳۵۵ - ۴۳۶ ه.ق. / ۱۰۴۴-۱۰۴۵ م.) شاگرد شیخ مفید با عنوان مسئله و جیزه فی الغیبه نوشت. این اثر و کتاب دیگری با نام البرهان علی صحة طول عمر الامام الزمان تألیف محمد بن علی کراچکی (م. ۴۴۹ ق. / ۱۰۵۷ م.) فاقد اطلاعات تاریخی هستند. پنجمین اثر الغیبه نوشته شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق. / ۱۰۶۷ م.) بر مبنای کتابی به نام «الاکابر الاربعة» نوشته احمد بن نوح بصری اطلاعات تاریخی معتبری از فعالیت‌های مخفی سفراء ارائه می‌دهد و نیز به شیوه حدیثی و عقلی اثبات می‌کند امام دوازدهم همان مهدی قائم است که باید در غیبت به سر برد و سایر

ادعاها در خصوص غیبت دیگر افراد نظیر علی بن ابیطالب، محمد بن حنفیه و موسی کاظم مردود است. این کتاب مأخذ اصلی نویسندگان بعدی شیعه امامی و بخصوص بحار الانوار مجلسی بوده است.<sup>[3]</sup>

به نوشته جاسم حسین منابع غیرشیعه بر کتاب «المسترشد» اثر ابوالقاسم بلخی معتزلی (م. حدود 301 ق. / 913 م.) اتکا دارد که معتقد است حسن عسکری بی وارث از دنیا رفت و ظاهراً اطلاعات خود در خصوص دسته بندی شیعه پس از سال 260 را از حسن بن موسی نوبختی (و. حدود ۳۰۰ ق. ه. / گرفته است. این کتاب مبنای اطلاعات المغنی عبدالجبار معتزلی (م. 415 ق. / 1024 م.) و ابوالحسن اشعری (م. 324 ق. / 935 م.) قرار گرفت و کتاب اشعری مرجع سایر کتاب های اهل سنت نظیر ابن حزم (م. 456 ق. / 1037 م.) و شهرستانی (م. 548 ق. / 1153 م.) درباره دسته بندی های شیعه بوده است.<sup>[4]</sup>

بیان موضوع در منابع تاریخ عمومی مسلمانان متفاوت است. محمد بن جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ ق. / 922 م.) که معاصر دوران غیبت بود در تاریخ طبری اشاره ای به موضوع امام دوازدهم و فعالیت های شیعیان امامی نمی کند در حالی که به فعالیت های سایر گروه های شیعه نظیر اسماعیلیه می پردازد و حتی کاربرد حدیث مهدی قائم توسط این گروه ها در کسب قدرت را پی می گیرد. جاسم حسین علت ذکر نشدن فعالیت های امامیه در این کتاب را مخفیانه بودن آن می داند. مسعودی (حدود ۲۸۳ - ۳۴۶ ق. / ۸۹۶ - ۹۵۷ م.) در مروج الذهب، التنبیه و الاشراف و نیز اثبات و الوصیه که به وی منسوب است به فشارها و سخت گیری های عباسیان علیه امامان شیعه که منجر به وقوع غیبت شد می پردازد. ابن اثیر (۵۵۵ - ۶۳۰ ق. / 1232 م.) در الکامل فی التاریخ به اختلافات میان وکلای امام در دوران غیبت و تأثیر غلو در بروز آن می پردازد. به عقیده جاسم حسین ممکن است وی اطلاعات خود را از کتاب «تاریخ الامامیه» اثر یحیی بن ابی طی (م 630 ق. / 1232 م.) گرفته باشد.<sup>[5]</sup>

به نوشته ساشادینا بسیار مشکل است که مرزی میان مطالب تاریخی از یک طرف با تذکره نویسی و مطالب اعتقادی شیعه از طرف دیگر در کتاب های نویسندگان شیعه تعیین کرد. زیرا زندگی نامه امامان در کتاب های نویسندگان شیعه، آکنده از داستان هایی به سبک تذکره هایی است که عارفان برای مرشدان و قدیسان خود می نویسند. برای مطالعه درباره امام دوازده شیعیان باید به منابعی اتکا کرد که نه می توان آنها را کاملاً تاریخی و نه می توان کاملاً زندگی نامه های مذهبی و تذکره ای دانست. به هر حال این منابع بیشترین کمک را به پژوهشگران در راه درک دوره ای می کند که ایده منجی آخرالزمان را به عقیده غالب در مذهب شیعه تبدیل کرده است.

## پیشینه اعتقاد شیعه به مهدی و قائم

نوشتارهای اصلی: مهدی و قائم

چنانکه جاسم حسین توضیح می دهد مفهوم «مهدی» به عنوان شخص هدایت شده از زمان پیامبر استعمال می شد. هم اهل سنت آن را برای خلفای راشدین به کار بردند و هم شیعه آن را برای امامان استفاده کرد. برای مثال در قیام حسین بن علی شیعیان کوفه از وی به عنوان مهدی دعوت کردند و هم سلیمان بن صرد پس از کشته شدنش با این عنوان از او تجلیل کرد. اما کاربرد آن در مفهوم منجی از زمان قیام مختار و توسط مختار ثقفی برای محمد حنفیه پدیدار شد.<sup>[6]</sup>

به گفته سعید امیرارجمند و ویلفرد مادلونگ،<sup>[7]</sup> اولین اشارات به وجود «باور به مهدی»، غیبت و منجی در نزد مسلمانان به زمان فرقه شیعه کیسانیه بازمی گردد؛ فرقه ای که پس از سرکوب قیام مختار شکل گرفت. آنان محمد حنفیه، فرزند علی و امام اول شیعیان را مهدی می دانستند و پس از فوت او چنین اعلام کردند که او نمرده است و در کوه رضوا در مدینه در غیبت بسر می برد و روزی به عنوان مهدی و قائم باز خواهد گشت. به نوشته مادلونگ شیعیان بارها به افراد متعددی از خاندان پیامبر اسلام به عنوان مهدی روی آوردند. اما این افراد نتوانستند انتظارات شیعیان را برآورده سازند. افرادی مانند محمد حنفیه، ابوهاشم فرزند محمد حنفیه، محمد بن معاویه از خاندان جعفر ابوطالب، محمد ابن عبدالله نفس زکیه، جعفر صادق و موسی کاظم هر کدام در برهه ای، مهدی موعود شیعیان شناخته می شدند. علاوه بر کیسانیه، زیدیه از عنوان مهدی با مفهوم منجی انتهای تاریخ برای رهبرانشان که قیام مسلحانه کردند مکرراً استفاده نمودند. همچنین گروه های منشعب از امامیه نظیر ناووسیه و واقفیه این لقب را با همین مفهوم برای امامان ششم و هفتم پس از درگذشتشان به کار بردند.<sup>[8]</sup>

به گفته عبدالعزیز ساجادینا هم محمد باقر و هم جعفر صادق در موارد مختلف توسط پیروانشان مورد اطمینان قرار گرفتند که اگر در مقابل حکومت فعلی قیام کنند از آنها پشتیبانی خواهند نمود. ولی این امامان در پاسخ شیعیانشان را به آرامش فرا می خوانند و می گفتند گرچه همه امامان قائم هستند و قابلیت سرنگون کردن حکومت های جور را دارند ولی قائم موعود پس از غیبت به فرمان خدا ظهور خواهد کرد تا بی عدالتی را از میان ببرد. در خصوص کاربرد مهدی به عنوان منجی توسط امامیه اختلاف نظر وجود دارد. به نوشته مدرسی امامیه از زمان علی و کیسانیه با ایده قائم آشنا بودند. تا زمان دوران موسوم به غیبت صغری، مفهوم مهدی یک ایده متعلق به غیر امامیه بود. شیعیان در دوران غیبت به تدریج ایده مهدی متعلق به غیر امامیه و قائم متعلق به امامیه را در هم ادغام کردند. هر چند در کتاب های برج مانده تا دهه های آخر قرن سوم هجری / نهم میلادی امام دوازدهم شیعه همان قائم دانسته می شد. اما از شروع قرن بعدی، کتاب های شیعه امام دوازدهم شیعه را مهدی می نامیدند. ساشادینا نیز می گوید مهدویت امام دوازدهم بسط نظریه امامت امام غائب بود که آن را با عقیده ظهور مهدی و ایجاد عدالت ترکیب نمود در حالی که پیش از آن امام دوازدهم مهدی موعود تلقی نمی شد. در مقابل جاسم حسین می نویسد نه تنها مهدی به معنای منجی نزد امامیه از زمان ائمه به کار می رفته، بلکه امامان پیشین معتقد بودند هر یک از آنان اگر شرایط ایجاب کند می تواند مهدی قائم باشد.<sup>[9]</sup> وی می گوید از نخستین سال ها مسلمانان باور داشتند که پیامبر نوید آمدن مردی از نسل حسین بن علی را داده که در آینده با شمشیر قیام می کند تا بدعت ها را از اسلام بزاید. اما رقابت سیاسی میان مسلمانان سبب شد برخی گروه ها اقدام به بهره برداری و تحریف احادیث نبوی نمایند تا از آنها در نبرد سیاسی استفاده برند.

به گفته ارجمند بیشتر این کیسانی‌ها ایرانیان نومسلمان بودند و احتمالاً این ایرانیان با باورهای زردشتی در مورد منجی آشنا بودند؛ با قهرمانانی مانند گرشاسب که پس از بیداری از یک خواب طولانی، اهریمنان را از زمین برمی‌چینند. به نوشته محمدعلی امیرمعزی و تیموتی فرنیش،<sup>[10]</sup> بسیاری از اعتقادات مسلمانان در مورد منجی، ظهور منجی، غیبت و مؤلفه‌های آن، مدیون ادیان پیشین مانند مانویت، دین زردشت، یهودیت و مسیحیت است. اما به نوشته جاسم حسین منشأ دیدگاه مهدی به عنوان منجی در احادیث پیامبر بوده است که توسط بیست و شش نفر از صحابه و در کتاب‌های حدیث اهل سنت، زیدیه و امامیه نقل شده است. وی ضعیف بودن احادیث را رد می‌کند و می‌گوید این احادیث در زمان امویان نیز رواج داشته و در کتاب سلیم بن قیس منسوب به سلیم بن قیس هلالی (م. حدود 80-90 ق. / 699-708 م.) هم آورده شده است.<sup>[11]</sup> از سوی دیگر مورخان و متکلمان شیعه نظیر سید مرتضی عسکری و محمدحسین طباطبایی با تأکید بر اشتراک ادیان مختلف در خصوص کلیت موضوع نوید به آمدن مهدی و برپایی دین و برقراری عدل در زمین، این موضوع را از مشترکات ادیان الهی و ناشی از منشأ فطری ادیان می‌دانند.<sup>[12]</sup> این گروه نخستین اشاره به مهدی را در احادیث پیامبر اسلام که از طرق شیعه و سنی روایت شده ذکر می‌کنند برمی‌شمارند و وجود وی را از ضروریات تحقق وعده‌های اسلام و قرآن در برپایی عدل و قسط در زمین می‌دانند.

## شرایط محیطی امامیه در سده‌های سوم و چهارم

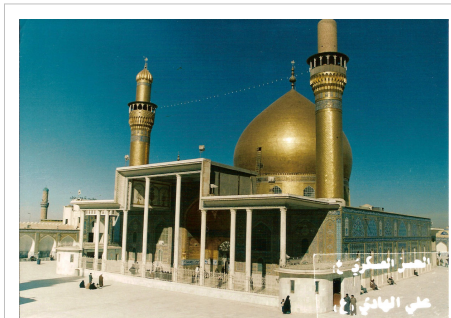
### شرایط محیطی در دوران آخرین امامان شیعه

از زمان حکومت متوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷ ه. ق. / ۸۴۷-۸۶۱ م.) سیاست مدارای مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ه. ق. / ۸۱۳-۸۳۳ م.) و خلفای پس از وی با شیعیان یکباره به کنار گذشته شد. در دوران متوکل به دستور او حرم حسین بن علی تخریب شد و امام دهم شیعه، هادی، از مدینه به سامرا فراخوانده شد تا تحت نظارت خلیفه باشد. متوکل از هیچ وسیله ممکن در آزار رساندن و بی‌احترامی به وی دریغ نمی‌کرد. گزارش‌ها حاکی از آن است که فشار شدیدی بر امامان در سامرا می‌آمد و شیعیان در عراق و حجاز در شرایط اسف‌باری زندگی می‌کردند. منتصر، پسر و جانشین متوکل این سیاست‌ها را برداشت و در نتیجه امام هادی آزادی بیشتری پیدا کرد. سیاست‌های متوکل در زمان مستعین (۸۶۲-۸۶۶ م.) هم ادامه یافت. احتمالاً در این زمان بود که امام دهم شیعه عثمان بن سعید را به نمایندگی خود در عراق برگزید (که البته این نمایندگی در زمان امام یازدهم حسن عسکری نیز تأیید شد). در دوران آخرین امامان شیعه، شبکه‌ای از وکلا شکل گرفته بود؛ البته این شبکه بیشتر از آنکه به مانند سایر شبکه‌های علوی آن زمان (اسماعیلیه، زیدیه، نوادگان حسن بن علی) به قصد برپایی قیام تشکیل شده باشد، کار گردآوری وجوهات دینی مانند خمس و زکات را انجام می‌داد. شرایط سیاسی و مذهبی سال‌های آخر امامت حسن عسکری و نخستین دهه‌های پس از مرگ او —همزمان با خلافت معتمد عباسی (۲۵۶-۲۷۹ ه. ق. / ۸۷۶-۸۹۲ م.)— بسیار پرچالش بود. این دوران به جهت سیاسی، مصادف بود با عصر ضعف خلافت عباسیان؛ بدین صورت آنان از اعمال مؤثر حاکمیت خود جز در بخش محدودی از سرزمین عراق ناتوان بودند. در این دوره، افراد مختلف در جای‌جای قلمرو عباسیان قیام کرده بودند و سرزمین مسلمانان دچار تجزیه سیاسی شده بود. معتمد عباسی، حسن عسکری را —که رقیبی بالقوه برای خلافت به شمار می‌رفت— در سامرا تحت نظارت و مراقبت قرار داده و او را حتی از ملاقات با پیروانش نیز بازداشته بود.

### شرایط محیطی در سال‌های آغازین غیبت کبری

سال‌های آغازین موسوم به غیبت کبری، همزمان با دورانی بود که به «قرن شیعه» معروف است. در سال ۳۳۴ ه. ق. / ۹۴۵ م. بنی‌عباس تحت سلطه حکومت شیعه آل‌بویه درآمد؛ آل‌بویه با اینکه احتمالاً در آغاز زیدی بودند، هنگامی که به حکومت رسیدند به شیعه دوازده امامی گرایش یافتند؛ آل‌بویه چون از نسل پیامبر مسلمانان نبودند باید امامی زیدی از نسل پیامبر را برای اطاعت کامل از او به امامت می‌رسانند. بنابراین احتمالاً به همین دلیل بود آنان پس از رسیدن به حکومت، به شیعه دوازده امامی متمایل شدند و ایده یک امام غائب از نظر سیاسی برای بوییان مطلوب‌تر بود. همزمان با آل‌بویه، حکمرانان شیعه فاطمی در مصر و شمال آفریقا، خاندان بنی‌حمدان در شمال عراق و سوریه و ادریسیان بر بخش‌هایی از شمال آفریقا حکمرانی می‌کردند. شیعه در این زمان به دلیل نفوذ سلسله‌های فاطمیان و آل‌بویه در قلب سرزمین‌های اسلامی، مستحکمترین بنیادهای دینی و فکری خود را بنیان نهاد. در این دوره بود که آثار بنیادین اعتقادی شیعه برای نسل‌های بعدی فراهم شد. آل‌بویه علوم شیعی را ترویج نمودند و علمای دینی را از مکاتب گوناگون حمایت کردند و زمینه ورود علوم کلامی معتزلی به شیعه را فراهم ساختند.

## رویکرد تاریخی: از دوران حیرت تا تبیین نهایی اعتقادات تشیع دوازده امامی



مسجد عسکری در سامرا، محل دفن حسن عسکری، امام یازدهم شیعه و پدر مهدی

در این بخش در خصوص دیدگاه‌های مختلف درباره سیر تاریخی اعتقاد به حجت بن حسن به عنوان امام دوازدهم، مهدی و غیبت وی در جامعه شیعه توضیح داده می‌شود.

### فرقه‌های امامیه در دوران حیرت

با درگذشت حسن عسکری (و. ۲۶۰ ق.ه. / ۸۷۴ م.)، امام یازدهم شیعه، سردرگمی بزرگی برای نیم قرن در بین شیعیان پدید آمد که نویسندگان شیعه از آن تحت عنوان «دوران حیرت» نام می‌برند. در این دوران، انشقاق در بین شیعیان شدت یافت و جنبش‌های رقیب مانند اسماعیلیه نیز استفاده کافی از این موقعیت نمودند. تبلیغات در این دوران به حدی بود که بسیاری از شیعیان و بسیاری از بزرگان شیعه امامی، مذهب خود را ترک نمودند. شیعه امامی به فرقه متعدد منشعب شد. مسعودی (و. ۳۴۶ ق.ه. / ۹۵۷ م.) در کتاب مروج‌الذهب تعداد این فرقه‌ها را بیست فرقه شمرده‌است و حسن ابن موسی نوبختی (و. حدود ۳۰۰ ق.ه.) در کتاب فرق‌الشیعه، از چهارده فرقه با ذکر جزئیات اعتقادی آنها نام می‌برد.

در یک دسته بندی کلی گروهی از شیعیان چنین می‌پنداشتند که حسن عسکری اصلاً فرزندی نداشته‌است و گروهی دیگر می‌گفتند حسن عسکری امام بدون فرزندی است که نمرده‌است و حسن عسکری همان مهدی غایب است. گروهی نیز معتقد بودند که حسن عسکری فرزندی ندارد و آنها روی به سوی برادر حسن عسکری، جعفر گردانیدند. گروه دیگری عنوان می‌کردند که فرزند حسن عسکری پیش از مرگ پدرش در گذشته‌است. یک گروه هم اعتقاد داشتند که فرزند حسن عسکری همان مهدی است که پدرش او را از ترس خلیفه زمان مخفی نگاه داشته و تنها توسط شمار کمی از یاران مورد اعتمادش دیده شده‌است. به گفته امیرمعمز، تنها بخشی از شیعیان که در آن زمان در اقلیت کوچکی بودند چنین دیدگاهی داشتند اما به گفته جاسم حسین اکثریت شیعیانی که امامت حسن عسکری را پذیرفته بودند تابع این دیدگاه بودند.<sup>[13]</sup> مذهب این گروه به مرور به مذهب تمامی شیعیان امامی تبدیل شد که شیعیان دوازده امامی فعلی می‌باشند.

این فرقه‌ها را به پنج دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ به جز آخرین دسته، سایر فرقه‌های منشعب شده تا صد سال پس از فوت حسن عسکری از میان رفتند:

- واقفیه بر حسن عسکری: کسانی که مرگ حسن عسکری را باور نداشته و او را به عنوان «مهدی آل محمد» زنده می‌پنداشتند و به نام «واقفیه»، یعنی کسانی که بر امامت حسن عسکری توقف کرده‌اند، شناخته می‌شدند.
- جعفریه: کسانی که پس از مرگ حسن عسکری، به برادر او جعفر بن علی الهادی (۲۲۶ تا ۲۷۱ ق.) گرویده و به دلیل آنکه فرزند حسن عسکری را ندیده بودند، به امامت جعفر گردن نهادند که دسته ای از آنان وی را جانشین امام دهم شیعه (هادی) و دسته ای دیگر او را به عنوان امام دوازدهم می‌شناختند. به این گروه «جعفریه» می‌گفتند.
- محمدیه: عده ای که پس از انکار امامت حسن عسکری، به امامت اولین فرزند هادی محمد (حدود ۲۲۸ تا ۲۵۲ ق.) که در زمان حیات پدرش در گذشته بود، گرویدند. به اینان «محمدیه» گفتند.
- ختم امامت: شمار دیگری بر این باور بودند که همان‌گونه که پس از محمد (پیامبر مسلمانان) دیگر پیامبری نخواهد آمد، پس از مرگ حسن عسکری نیز امامی وجود نخواهد داشت.
- قطعیه: این گروه که خود چندین شاخه بودند، به امامت فرزندی که خود برای حسن عسکری قائل بودند اعتقاد داشتند. این جریانی همان جریانی بود که به تدریج به شیعه دوازده امامی فعلی تبدیل گشت.

دوره‌ای که باعث ایجاد این ابهام شد، در دوران خلافت معتمد عباسی (خلافت: ۲۵۶ تا ۲۷۹ ق. / ۸۷۰ تا ۸۹۲ م) شروع شد و تا زمان خلیفه عباسی مقتدر (خلافت: ۲۹۵ تا ۳۲۰ ق. / ۹۰۸ تا ۹۳۲ م) ادامه یافت.

### اختلافات شیعیان در مورد وجود فرزند حسن عسکری

نوشتارهای وابسته: جعفر بن علی

#### سالهای امامت

حسن عسکری طی سال‌های امامت خود در سامرا تحت محدودیت‌های اعمال شده از سوی خلیفه عباسی می‌زیست. وی زیر نظر جاسوسان معتمد عباسی بود و لذا نمی‌توانست با شیعیان ارتباط آزادانه داشته باشد و تنها خواص اصحابش با وی شخصاً ارتباط داشتند. وی در سال ۲۶۰ ه.ق. بیمار شد. معتمد چند نفر مراقب به همراه پزشک و قاضی القضاات را بر بالین وی فرستاد. نهایتاً وی در اثر این بیماری در ۸ ربیع الاول آن سال مقارن با اول ژانویه ۸۷۴ درگذشت. معتمد، ابوعیسی فرزند متوکل را فرستاد تا بر وی نماز گزارد. او پس از انجام مراسم در منزلش دفن شد.<sup>[14]</sup> بنا بر روایت شیخ طوسی عثمان بن سعید در طول بیماری حسن عسکری بر بالین وی بود و مراسم غسل و به خاک سپاری را وی به جا آورد.<sup>[15]</sup> بدین ترتیب طبق مآخذ قدیم امامیه حسن عسکری آشکارا پسرش را معرفی ننمود و جانشینی را به طور علنی معرفی نکرد. بدین ترتیب امامیه که معتقد بودند زمین نمی‌تواند از حجت خدا خالی باشد

و امام بعدی با وصایت توسط امام قبلی معرفی می شود دچار حیرت شدند و به فرقه های متعدد منشعب گشتند. [16]

از سوی دیگر به نوشته مدرسی در زمان امامت حسن عسکری بر شیعیان، امامت وی توسط برادرش جعفر به چالش کشیده شد و منجر به اوج گیری اختلاف، دشمنی، نفرت و خصومت بین دو برادر و یاران آنها گردید. دشمنی هایی که حتی به خشونت کشیده شد و شدیدترین تبلیغات منفی دو طرف علیه همدیگر را به دنبال داشت. فوت حسن عسکری بدون فرزند و بدون برادر دیگری جز جعفر، امامیه را دچار بزرگترین مشکل عقیدتی نمود که تا به حال تجربه کرده بود. واضح بود که یاران نزدیک حسن عسکری تمایلی به برگشت به سوی جعفر پس از تمام ماجراها و دشمنی های زمان حسن عسکری نداشتند. به نوشته جاسم حسین عده ای از شیعیان با تفاسیر متعدد به امامت جعفر گرویدند. گروهی با رویکرد و ادله ای مشابه افضحیه معتقد بودند امامت از حسن عسکری به برادرش جعفر رسیده است. این گروه بیشتر در میان متکلمان بخصوص در کوفه رواج داشت. رهبر آنان علی بن الطلیح یا الطلیحی خزاز از متکلمان مشهور افضحیه بود همچنین ممکن است خانواده علمی افضحی مذهب بنوفضال به ویژه احمد بن حسن (ف. 260) و برادرش علی بن حسن (ف. 270) به این آیین گرویده باشند. گروه دیگر از اساس منکر امامت حسن عسکری بودند و پیش از درگذشت وی هم معتقد بودند علی هادی، جعفر را به امامت برگزیده است و علی بن محمد بن بشار از رهبران آن بود و موفق شد برخی از معتقدان به امامت حسن عسکری را نیز پس از درگذشت وی جذب کند. اما جعفر خود مدعی بود که امامت از جانب برادر دیگرش محمد بن علی هادی به وی رسیده است. [17]

### اختلاف بین جعفر و مادر حسن عسکری

بین جعفر و مادر حسن عسکری بر میراث وی اختلافی بروز کرد که توسط مدرسی و جاسم حسین به دو شکل متفاوت تبیین شده است. مدرسی می گوید مادر حسن عسکری، حُدِث، در نقطه مقابل ادعا کرد که فرزند حسن عسکری هنوز به دنیا نیامده اما کنیزی به نام صغیل از حسن حامله است. این ادعا صرفاً برای آن بود که دست جعفر برادر حسن عسکری از ارث کوتاه شود؛ زیرا در صورت فرزنددار بودن حسن، بر طبق فقه اهل سنت میراث حسن عسکری تنها به مادر او تعلق می گرفت. این ادعا به جایی نرسید و کنیز تا چندین سال تحت نظر بود و فرزندی به دنیا نیاورد. بزرگان شیعه و یاران نزدیک حسن عسکری نیز بعضی جانب جعفر را گرفتند و عده ای جانب مادر حسن عسکری را. اما جاسم حسین می گوید طبق روایت شیخ مفید حسن عسکری وصیت نامه ای تنظیم کرد و تمام دارایی خود را به مادرش بخشید. حُدِث پس از دریافت خبر درگذشت وی از مدینه به سامرا آمد اما تمام اموال تحت سیطره عباسیان درآمده بود و جعفر نیز بر حق خود بر ارث اصرار داشت. حدیث با استناد به فقه امامیه گفت حسن عسکری وی را وارث خود قرار داده و جعفر حقی در آن ندارد. پس از آنکه محقق شد ثقیل آبستن نبوده قاضی به نفع حدیث رأی داد اما میراث بر خلاف فقه امامیه نصف شد. [18]

به نوشته جاسم حسین، ابوسهل نوبختی روایت می کند اصحاب سر حسن عسکری که احادیث وی را روایت می کردند و نایبان او بودند پس از درگذشت وی متفق القول بودند او از خود پسری برجا گذاشته که امام است. آنان شیعیان را از پرسیدن نام او و افشای وجودش برای دشمنان منع می کردند. [19] همچنین طبق گزارش های شیخ صدوق، شیخ طوسی و رجال نجاشی حسن عسکری پیش از فوت پسر خود را به عنوان جانشین به چهل تن از اصحاب نزدیکش معرفی کرده و به آنها دستور داده درطول غیبت وی از عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان اطاعت کنند. [20] بخش بزرگتری از شیعیان این نظر را پذیرفتند هر چند در بدو امر در خصوص زمان تولد، نام وی و اینکه آیا وی مهدی قائم است یا خیر اختلاف داشتند. [21] اما به نوشته مدرسی تا زمان مرگ حسن عسکری صحبتی از فرزند وی به میان نبود و حسن عسکری نیز در وصیتش تنها از مادرش نام برده بود. پس از مرگ او، اصحاب نزدیکش به رهبری عثمان بن سعید عمری، این مسأله را اعلام کردند که حسن عسکری پسری می داشته که جانشین مشروع امامت است. طبق گفته عمری، این پسر مخفی نگاه داشته شده بود چرا که بیم آن می رفت که توسط دولت دستگیر شود و به قتل برسد. در مقابل، فاطمه (خواهر حسن عسکری) و جعفر (برادر حسن عسکری) اعلام کردند که فرزندی از امام شیعه به دنیا نیامده است. حکیمه، عمه حسن عسکری، نیز به وجود فرزندی از حسن عسکری معتقد بود (در روایتی خود شاهد بدنی آمدن بوده است؛ اما در روایتی دیگر از او نقل شده که خود تولد فرزند حسن را ندیده است بلکه از نامه ای که حسن به مادرش نوشته بود از تولد این فرزند آگاه شده است).

### فرزند غایب

به نوشته مدرسی در این زمان، نایبان امام در گذشته (امام یازدهم)، اصرار در نگاه داشتن این اعتقاد بودند که فرزندی از عسکری در غیبت هست که به فرمان خدا قیام خواهد نمود. معتقدان این ایده در آماج حمله همه جناح ها بودند و مورد مخالفت شدید قرار می گرفتند. عباسیان مخصوصاً نگران جانشین موعود عسکری در غیبت بودند. معتمد به این دلیل دستور داد خانه امام را بگردند (همه اتاق ها را پس از جستجو قفل می کردند). تلاش هایی صورت گرفت تا معلوم شود آیا امام از خود فرزندی باقی گذاشته است یا خیر و ماماها بی در حرم امام گماشته شدند تا هر گونه حاملگی را تشخیص دهند. یکی از کنیزان که مشکوک به حاملگی بود در قرنطینه ای در یک خانه مخصوص تحت مراقبت قرار گرفت. در موردی دیگر، همسر عسکری به نام صیقل زندانی شد که چرا محل اختفای پسرش را نمی گوید. این شرایط تا زمانی که خلیفه درگیر ناآرامی های سیاسی شد که توسط صاحب الزنج و حاکمان استانهای ایران، مصر و سوریه ایجاد شده بودند ادامه یافت. عباسیان همچنین جعفر، برادر عسکری و مدعی جایگاه امامت را مورد حمایت قرار دادند تا در خانواده امام نزاعی برقرار کند. منابع شیعه جعفر را شخصی دنیا دوست و لذت جو معرفی می کنند که برای امام شدن از اهرم های فشار مختلفی (در هنگام خلافت معتمد) استفاده نمود و بیشتر از یک بار سعی در بدنامی کسانی نمود که اعتقاد به امامت فرزند غایب عسکری داشتند.

بیشتر وکلای محلی که تا پیش از فوت امام شیعه مسئولیت برقراری ارتباط بین شیعیان و امامان و جمع آوری خمس و وجوهات شرعی برای شیعیان را برعهده داشتند، گفته عثمان بن سعید را تایید کردند. اما بعضی شک خود را در مورد وجود چنین فرزندی ابراز نمودند. در این میان عثمان بن سعید از سامرا به بغداد مهاجرت کرد. عثمان آن دسته از وکلا که به او وفادار بودند را در سمت خود نگه داشت و آنان به نیابت امام و نیز جمع آوری وجوهات شرعی برای امامی که تولدش را وعده داده بودند، ادامه دادند. بگفته حسین مدرسی، اکثریت شیعیان در شهرهای متفاوتی از ایران، به خصوص قم وضع موجود را

پذیرفتند و به پرداخت وجوهات به نائبان ادامه دادند. اما عراق و کوفه وضع متفاوتی داشت. بسیاری یا شاید حتی اکثریت شیعیان، امامت جعفر را پذیرفتند. بزرگان و متکلمانی از شیعه مانند علی بن حسن بن فضال، برجسته‌ترین روحانی شیعه در کوفه، از این جمله بودند. اما جعفر نیز مدت زیادی عمر نکرد و چند سالی پس از فوت برادرش حسن عسکری (۲۷۱ ق.) درگذشت. در این میان عثمان بن سعید در بغداد تا زمان مرگ (حدوداً بین ۲۶۰ تا ۲۶۷ ق.) به اداره دستگاه امامت ادامه داد. او اصرار داشت که در تماس مستقیم با فرزند حسن عسکری است.

## تاریخچه اعتقاد به امام دوازدهم و غیبت

### شیعه

	
<b>عقاید</b>	
<b>اصول</b>	توحید • نبوت • معاد یا قیامت عدل • امامت
<b>فروع</b>	نماز • روزه • خمس • زکات • حج • جهاد • امر به معروف • نهی از منکر • تولی • تبری
<b>عقاید برجسته</b>	مهدویت: غیبت (غیبت صغری، غیبت کبری)، انتظار، ظهور و رجعت • بداء • شفاعت و توسل • تقیه • عصمت • مرجعیت، حوزه علمیه و تقلید • ولایت فقیه • متعه • شهادت ثالثه • جانشینی محمد • نظام حقوقی
<b>شخصیت‌ها</b>	
<b>چهارده معصوم</b>	محمد • فاطمه • علی • حسن • حسین • سجاد • باقر • صادق • کاظم • رضا • جواد (تقی) • هادی (تقی) • عسکری • مهدی
<b>صحابه</b>	سلمان فارسی • مقداد بن اسود • ابوذر غفاری • عمار یاسر • بلال حبشی • جعفر بن ابی‌طالب • مالک اشتر • محمد بن ابوبکر • عقیل • عثمان بن حنیف • کمیل بن زیاد • اویس قرنی • ابویوب انصاری • جابر بن عبدالله انصاری • ابن عباس • ابن مسعود • ابوطالب • حمزه • یاسر • عثمان بن مظعون • عبدالله بن جعفر • خباب بن ارت • اسامه بن زید • خزیمه بن ثابت • مصعب بن عمیر • مالک بن نویره • زید بن حارث زنان: فاطمه بنت اسد • حلیمه • زینب • ام کلثوم بنت علی • اسماء بنت عمیس • ام ایمن • صفیه بنت عبدالمطلب • سمیه
<b>علماء</b>	روحانیان شیعه
<b>مکان‌های متبرک</b>	
مکه مکرمه و مسجد الحرام • مدینه منوره، مسجد النبی و بقیع • بیت‌المقدس و مسجد الاقصی • نجف اشرف، حرم علی بن ابی‌طالب و مسجد کوفه • کربلای معلی و حرم حسین بن علی • کاظمین و حرم کاظمین • سامرا و حرم عسکریین • مشهد مقدس و حرم علی بن موسی‌الرضا دمشق و زینبیه • قم و حرم فاطمه معصومه • شیراز و شاه چراغ • آستانه اشرفیه و سید جلال‌الدین اشرف • ری و شاه عبدالعظیم مسجد • امامزاده • حسینییه	
<b>روزهای مقدس</b>	
عید فطر • عید قربان (عید اضحی) • عید غدیر • محرم (سوگواری محرم)، تاسوعا، عاشورا و اربعین • عید مبعث • میلاد پیامبر • تولد ائمه • ایام فاطمیه	
<b>رویدادها</b>	
رویداد مباحله • غدیر خم • سقیفه بنی‌ساعده • فدک • رویداد خانه فاطمه • قتل عثمان • جنگ جمل • جنگ صفین • جنگ نهروان • واقعه کربلا • مؤتمر علماء بغداد • حدیث ثقلین • حدیث کساء • آیه تطهیر • شیعه‌کشی	
<b>کتاب‌ها</b>	
قرآن • نهج‌البلاغه • صحیفه سجادیه <b>کتاب اربعه:</b> الاستبصار • الکافی • تهذیب‌الاحکام • من‌لایحضره‌الفقیه مصحف فاطمه • مصحف علی • اسرار آل محمد وسائل الشیعه • بحار الأنوار • الغدیر • مفاتیح الجنان مجمع البیان • تفسیر المیزان • کتب شیعه	
<b>شاخه‌ها</b>	
دوازده‌امامی (اثنی‌عشری) • اسماعیلیان • زیدیه	

## منابع اجتهاد

کتاب (قرآن) • سنت (روایات پیامبر و ائمه) • عقل • اجماع

یک دیدگاه رایج در میان پژوهندگان تاریخ تشیع آن است که باور به تعداد ائمه (دوازده امام) و اینکه امام دوازدهم همان مهدی موعود است، بطور تدریجی در میان شیعیان تکامل یافته‌است. در مقابل جاسم حسین می‌گوید طبق شواهد احادیثی مبنی بر آنکه امام دوازدهم همان قائم موعود خواهد بود پیش از سال 260 ق. مطرح بوده است.

در خصوص روند شکل‌گیری اعتقادات شیعه دوازده امامی، به گفته امیرمعزی، منابع دوره حیرت، بحران عمیقی را نشان می‌دهد. بررسی منابع این دوران شک و ابهام عمیق شیعیان در مورد تعداد امام‌های شیعه و حتی موضوع غیبت را نشان می‌دهد. ابوجعفر برقی (وفات ۲۸۰ ق / ۸۸۷ یا ۸۹۳ میلادی)، در فصل اول کتابش، که اختصاص به تفسیرهای مختلف از اعداد دارد، به اعداد ۳ تا ۱۰ می‌پردازد، اما در مورد عدد ۱۲ چیزی نمی‌گوید. یا هم عصر او صفار قمی (۲۹۰ ه.ق. / ۹۰۲ م.) در کتابش بصائر الدرجات تنها ۵ حدیث از میان دو هزار حدیث کتابش، در مورد تعداد امامان به امام دوازدهم اشاره می‌کند و هیچ اشاره‌ای به غیبت نمی‌کند. چند دهه بعد ابن‌بابویه (۳۰۶ تا ۳۸۱ ه.ق. / ۹۲۳ تا ۹۹۱ م.)، معروف به شیخ صدوق، احادیثی زیادی در مورد عدد دوازده و در میان آن در مورد دوازده امام نقل می‌کند. ایقان کولبرگ<sup>[22]</sup> نیز آثار نویسندگان امامیه هم عصر وفات حسن عسکری (مثال ابن برقی و صفار قمی) را بررسی می‌کند و چنین بیان می‌کند که «نبود عقاید خاص شیعه دوازده امامی در این آثار، احتمالاً به این معنا می‌باشد که اعتقاد به دوازده امام تا آن زمان هنوز جزء اصول اعتقادی امامیه در نیامده بود.» به نوشته امیرمعزی برای اولین بار اشاره به دو غیبت امام دوازده را در آثار ابوسهل نوبختی می‌بینیم که به قول او دومی از اولی سخت‌تر است. از او دو نظریه در مورد امام غایب در منابع متأخر ذکر شده‌است. یکی اینکه امام دوازدهم مرده‌است و فرزند او از دیدگان پنهان شده‌است و امامت از این فرزند به فرزند بعدی منتقل می‌شود تا زمانی که امام خود را بر مسلمانان علنی نماید. دیگر آنکه وجود او بصورتی روحانی باقی مانده‌است. به نوشته امیرمعزی هیچکدام از این دو تئوری در اعتقادات متأخر شیعه ادامه پیدا نکرده‌است. به گفته وی تنها از زمان شیخ کلینی بود که اعتقاد به وجود امام دوازده در منابع شیعه به تواتر به چشم می‌خورد. پذیرش این دیدگاه در ابتدا با مقاومت بسیاری از سوی خود شیعیان مواجه شد. در مقدمه کتاب الغیبه (تألیف حدود ۳۳۳ تا ۳۴۲ ق.) به قلم ابن ابی زینب نعمانی (وفات ۳۶۰ ق.)، نویسنده تأسف می‌خورد که اکثریت شیعیان امام دوازدهم را نمی‌شناسند و حتی وجود او را قبول ندارند. ابن بابویه (شیخ صدوق) مشاهدات مشابهی دارد هنگامی که او با سیل سؤالات شیعیان خراسان مواجه شده بود که از هویت امام دوازدهم می‌پرسیدند.

در این زمان محدثان شیعه سعی در اثبات وجود امام شیعه و برطرف کردن شک موجود در میان شیعیان نمودند. به نوشته مدرسی از راویان سنی حدیث، گفتاری منسوب به پیامبر رسیده است که بر اساس آن دوازده خلیفه پس از او خواهند بود که همگی از قبیله قریش هستند (و اینکه پس از این دوازده خلیفه هرج و مرج بر جامعه حکمفرما خواهد بود). این گفتار خیلی پیشتر از غیبت امام دوازدهم شیعیان در سال ۲۶۰ هجری رواج داشته است. بطور قطع این حدیث هم در زمان امویان و در حمایت از مشروعیت ایشان و هم در زمان جنبش‌های ضد اموی بر سر زبان‌ها بود (به گفته سید حسین مدرسی محدثان شیعه حتی حدیث دوازده خلیفه را حدیثی ضد شیعی می‌دانستند و آنرا «بایکوت» کرده بودند). بنابراین هیچ‌کس نمی‌توانست ادعا کند که این گفتار به هیچ عنوان نوشته امامیه در دوران پس از غیبت بوده باشد. در واقع هیچ شاهد مکتوبی از دهه‌های آخر سده سوم هجری وجود ندارد که نشان دهد این گفتار هیچ‌گاه توجه راویان شیعه حدیث را جلب کرده بوده یا کسی در جامعه شیعه فکر کرده باشد که این حدیث می‌توانسته مربوط به آنها بوده باشد. تا حدود سال ۲۹۵ هجری که شیعیان دنباله‌رو انتظار داشتند امامت تا آخرالزمان ادامه پیدا کند و تعداد امامان را بیش از این می‌دانستند، در ابتدا توجهی به این حدیث نمی‌کردند. شیعیان در این زمان متوجه «حدیث دوازده خلیفه» شدند. از این زمان بود که محدثان شیعه آنقدر حدیث در مورد دوازده بودن تعداد امامان یافتند که خود مبنای کتاب‌های مستقلی در این باب شد. ایقان کولبرگ با ذکر این مطلب که تمایل به عدد دوازده جایگاه ویژه‌ای در تمدن‌های باستانی داشته‌است می‌نویسد. احتمالاً روایات تورات و انجیل در مورد «دوازده قبیله بنی‌اسرائیل» و «دوازده حواریون عیسی»، ریشه ترجیح اسلامی برای نسبت دادن عدد دوازده بر شمار رهبران بوده‌است. به عنوان مثال از واژه «نقبا» نه فقط برای ۱۲ قبیله بنی‌اسرائیل (اشاره شده در قرآن)، بلکه برای دوازده نماینده پیامبر در اهالی مدینه یا دوازده رهبری که قیام عباسیان علیه امویان را رهبری کردند نیز استفاده شده‌است. یا یکی از غلات شیعه به نام ابومنصور عجلی (اعدام در سال ۷۳۸/۱۲۱) خود را ششمین پیامبر از سلسله ۱۲ پیامبری معرفی کرد که آخرین آنها «قائم» خواهد بود. به هر حال اشارات زیادی در تورات و انجیل در حمایت از اینکه عدد دوازده، عدد مربوط به تعداد «مؤمنان برگزیده» است وجود دارد (هر چند به همین میزان، اشارات زیادی در مکاشفه یوحنا در حمایت از اینکه عدد ۴ یا ۷ تعداد برگزیدگان است وجود دارد).

به نوشته ساشادینا دغدغه اصلی بزرگان شیعه در این زمان اثبات وجود واقعی فرزند حسن عسکری و معرفی او به عنوان امام غایب به شیعیان بود. با کوشش‌های شماری از متکلمان و محدثان شیعه امامی مانند ابوسهل نوبختی (و. ۹۲۳ م.)، ابوجعفر ابن قبه (وفات حدود 319 ق.)، کلینی (و. ۳۲۹ ه.ق. / ۹۴۱ م.)، نعمانی و بخصوص ابن بابویه (و. ۳۸۱ ه.ق. / ۹۹۱ یا ۹۹۲ م.) اثر ارزنده او کمال‌الدین که معمار و تبیین‌کننده نظریه امام غایب و دوران غیبت و ظهور منجی بخش امام غائب است، این هدف حاصل آمد. در این زمان کلینی در احادیث باب غیبت کتاب اصول کافی، که در خلال این دوره گردآورده بود، به موضوع غیبت و علت آن پرداخته‌است. بخصوص نعمانی در کتاب الغیبه به تبیین نظریه غیبت از طریق احادیث پرداخت و او برای نخستین بار اصطلاحات «غیبت صغری» و «غیبت کبری» را به کار برد. پس از وی ابن بابویه (و. ۹۹۱-۹۹۲) در کتاب کمال‌الدین در خصوص گردآوری احادیث مربوط به امام دوازدهم و غیبت وی کوشید. به گفته عبدالعزیز ساشادینا<sup>[23]</sup> در فاصله زمانی نوبختی و هنگامی که شیخ مفید (و. ۴۱۳ ه.ق. / ۱۰۲۲ م.) مطالب خود را درباره امام دوازدهم ارائه داد، موضوع جانشینی حسن عسکری در بین شیعیان امامی جا افتاده بود. به هر شکل، تا سالهای پایانی غیبت صغری، مصادف با دهه سی و چهل قرن دهم میلادی اکثریت شیعه امامیه، امامت امام دوازدهم از نسل حسن عسکری را پذیرفته بودند.



به گفته سعید امیر ارجمند اعتقاد به غیبت در نزد شیعیان، در میان مجموعه عقایدی بود که از کیسانیه وارد شیعه شد. با این حال وی تأثیر واقفیه (که بر امامت موسی کاظم توقف کردند) را در پذیرش ایده غیبت توسط شیعه امامیه مهم تر می‌داند. اولین نوشته‌های کلامی در زمینه غیبت را حدود سی سال پس از مرگ حسن عسکری و در آثار ابوسهل نوبختی و ابن قبه رازی می‌توان یافت. این دو که تمایلات معتزله داشتند به جای اتکا به احادیث راه حلی کلامی را برای نظریه غیبت بر گزیدند. ایده‌ای که در وضعیت بحران از نو واقفیان به عاریت گرفته شده بود. به نوشته پوناوالا آثار بجا مانده از آن زمان شیعه چنین می‌نمایند که شیعیان در ابتدا پیش‌بینی نمی‌کردند که غیبت امام غایبشان مدت زیادی ادامه داشته باشد. اما زمانی که غیبت امام شیعیان طولانی شد و حجت بن حسن ظهور نکرد، شیعیان بتدریج امام پنهان را همان مهدی موعود پنداشتند. از حدود سال ۲۹۵ ه.ق. / ۹۰۸ م. بود که شیعیان متوجه شدند که اوضاع غیرعادی‌تر از چیزی است که در ابتدا می‌پنداشتند و امام حاضری در آینده نزدیک وجود نخواهد داشت و نیز پرسش در مورد تعداد قطعی امامان مورد بحث شیعیان قرار گرفته است. از این زمان است که حدیث‌هایی مبنی بر اینکه «تعداد امامان دوازده نفر می‌باشد» بر سر زبان‌ها افتاد. به نوشته ورنه کلم [24] مرگ علی بن محمد سمري (329 ق.)، آخرین نائب امام غایب، و آغاز دوره غیبت کبری بار دیگر حیرت را در میان شیعیان برانگیخت. آنها نهایتاً در سده پنجم به تبیینی عقلی در کلام شیعه از غیبت امام دست یافتند. در این زمان علمای شیعه با رویکرد کلامی به تبیین نظریه غیبت برخاستند. متکلمان از جمله شیخ مفید (و. ۴۱۳ ه.ق. / ۱۰۲۳ م.) و شاگردانش بخصوص سید مرتضی (۱۰۴۴-۱۰۴۵) به تدوین نظریات کلامی امامت جهت تبیین ضرورت وجود امام زنده در شرایط غیبت پرداختند.

## دوران امامت و غیبت

### دوره سفرا یا غیبت صغری

نوشتارهای اصلی: نایب خاص و شبکه و کلا

بخشی از آخرین توقیع منسوب به حجت بن حسن در دوره و کلا در منابع شیعه که بیانگر دیدگاه شیعه در موضوع غیبت است.



توقیعی که شیعیان آن را منسوب به امام دوازدهم شیعه می‌دانند و برای علی بن بابویه پدر شیخ صدوق نوشته است — محل نگهداری مقبره علی بن بابویه — منابع شیعه به مکاتباتی بین پدر شیخ صدوق و حجت بن حسن اشاره نموده‌اند.

... تو از اکنون تا شش روز دیگر خواهی مرد؛ پس امر حساب و کتاب خود را جمع‌وجور کن و درباره نیابت و وکالت به هیچ‌کس وصیت مکن تا به جای تو بنشیند زیرا غیبت کامل فرا رسیده است؛ دیگر تا آن روزی که خدای تبارک و تعالی بخواهد، ظهوری نخواهد بود و از آن پس مدت درازی خواهد بود که دل‌ها را سختی و قساوت فراگیرد و زمین از ستم و بیداد پر گردد. به‌زودی از شیعیان من، ادعای مشاهده خواهند کرد؛ بدان هر کس که پیش از خروج سفیانی و برآمدن صیحه و بانگی از آسمان، ادعای دیدن مرا نماید، دروغگو و تهمت‌زننده است. قدرت و توانایی از آن خداوند بلندپایه بزرگ است و بس. [25]

p. 96, Sachedina 1981

بنابر اعتقاد شیعه دوازده امامی، این دوره از مرگ حسن عسکری در سال ۲۶۰ ه.ق. (۸۷۴ م.) آغاز شده و تا سال ۳۲۹ ه.ق. (۹۴۱ م.) به طول انجامیده است. در این دوره، مهدی تنها از طریق چهار سفیر یا نائب و آن هم در شرایط خاص با شیعیان تماس می‌گرفت. در طی دوران غیبت صغری، شیعیان از طریق این چهار نائب با مهدی در ارتباط بوده و درخواست‌ها و مسائل خود را طرح می‌کرده‌اند و پاسخ می‌گرفتند.

به نوشته ساشادینا و جاسم حسین، شبکه و کلا در دوران امامان مسئول گردآوری خمس، زکات و سایر وجوهات شرعی شیعیان برای امامان بود. در شرایطی که چند امام آخر به‌شدت تحت نظارت و مراقبت بودند و امکان ارتباط مستقیم شیعیان با امامان وجود نداشت، عملاً اداره امور ساختار مرکزی جامعه شیعه بر عهده و کلا بود. در شرایط غیبت امام، وکلا سرپرستی و رهبری مجازی جامعه شیعه را در خصوص امور دینی و مالی برعهده گرفتند. جاسم حسین می‌گوید بتدریج رهبری شبکه وکلا تبدیل به تنها مرجعی شد که می‌توانست مشروعیت امام جدید را تعیین و اثبات کند. برای نمونه محمد جواد وصیت خود در خصوص نصب علی هادی به عنوان امام بعد از رهبر شبکه وکلا خود گفت. [26] به نوشته ساشادینا، در منابع اولیه از جمله کتاب‌های کلینی و ابن بابویه (شیخ صدوق)، به وکلا به طور عمومی اشاره شده و ابن بابویه چندین نفر را نام برده است که به گفته وی با مهدی در ارتباط بوده و سمت وکالت را بر عهده داشته‌اند بی‌آنکه کسی از آنها را به عنوان وکیل ویژه یا نائب خاص معین کند. اما بخصوص برخی از وکلا بطور نیابتی خمس را از شیعیان می‌گرفته‌اند و عثمان بن سعید نیز یکی از وکلای حسن عسکری بود. ساشادینا از بررسی روایات ابن بابویه نتیجه می‌گیرد تعداد وکلا محدود به چهار تن نبوده و اصطلاح نیابت خاص در دوره‌های بعد برای تبیین غیبت صغری ایجاد شده است.

به نوشته ساشادینا، در شرایطی که جامعه شیعه پس از مرگ حسن عسکری دست کم به چهارده فرقه منشعب شده بودند، پذیرش نهایی این عقیده که حسن عسکری فرزندی داشته که امام آخر و دوازدهم شیعه است در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری رخ داد. این امر به رهبری محمد بن عثمان و شبکه وکلا و در سراسر سرزمین‌های اسلامی و با کمک ابوسهل نوبختی، متکلم بزرگ شیعه، انجام شد. رابطه نزدیک و دوستانه ابوسهل با خاندان شیعه

بنی فرات که وزرای عباسیان بودند نیز پذیرش این امر را حتی در میان سایر مسلمانان تسهیل کرد. بدین ترتیب جامعه شیعه، حول اعتقاد به امامت حجت بن حسن و رهبری محمد بن عثمان مجدداً متحد شد.

به نوشته ورنه کلم از دیدگاه تاریخی اعتقاد به وجود «نواب اربعه» در آثار محدثان و علمای شیعه<sup>۱</sup> چند دهه اول دوران موسوم به غیبت صغری به چشم نمی‌خورد. کلینی اشارات مبهمی به نامه‌هایی از امام زمان می‌کند که به دست شیعیان می‌رسیده‌است. حتی در کتاب التنبیه ابوسهل نوبختی — که بین سال‌های ۹۰۳ تا ۹۱۳ نوشته شده — به بحرانی در میان شیعیان اشاره شده‌است. ابوسهل می‌نویسد که تقریباً تمام یاران نزدیک حسن عسکری تا بیست سال بعد از مرگ او درگذشته‌اند. آنها کسانی بودند که ادعا می‌نمودند با امام غایب شیعه در ارتباط هستند و فرمان‌های او را به اطلاع شیعیان می‌رساندند. بعد از مرگ این افراد دیگر نشانی از امام برای شیعیان و اثباتی برای وجود او برای افرادی که دچار شبهه شده یا ناباوران وجود نداشت. در این زمان آنها تنها می‌توانستند به کمک تفسیر احادیث امامان پیشین شیعه، غیبت طولانی امام را توجیه نمایند. در نوشته‌های نویسندگان شیعه تا چند دهه بعد از این زمان، به تداوم فعالیت سفرا اشاره نشده‌است.

عنوان سفیر در ابتدا در کتاب الغیبه نعمانی به چشم خورد اما نام و تعداد این نمایان ذکر نشده‌بود. سپس ابن بابویه نام چهار نایب را در کمال‌الدین ثبت نمود و مبسوط‌ترین گزارش‌ها درباره فعالیت سفرا در کتاب الغیبه ابوجعفر طوسی آمده‌است. به نوشته ایتان کولبرگ، عمده این گزارش‌ها بر مبنای دو کتاب که اکنون در دسترس نیست می‌باشد: اخبار ابی‌العمر و ابی‌الجعفر العمریان اثر ابن برنیه کاتب و اخبار الوکاله الربعه نوشته احمد بن علی بن عباس بن روح صیرفی. به گفته کولبرگ در دانشنامه اسلام، اعتقاد به سفرا در نزد خاندان نوبختی شکل گرفت.

ورنه کلم در دانشنامه ایرانیکا، چنین می‌نویسد که احتمالاً گسترش ایده نایبان چهارگانه توسط خاندان نوبختی در میان شیعیان انجام شده باشد. اطلاعات موجود در مورد دو نایب اول چنین می‌نمایند که این دو پس از مرگشان به عنوان نایب خاص امام زمان شناخته شدند؛ زیرا نیابت باید از زمان مرگ حسن عسکری شروع می‌شد. در سطح شخصی باید گفت دو فامیل عمری و نوبختی با هم خویشاوند بودند. دختر ابن عمری، ام کلثوم با یکی از نوبختی‌ها ازدواج کرد و منشی حسین بن روح بود. لازم به ذکر است که به گفته ورنه کلم، نوه ام کلثوم (ابن برنیه)، منبع اصلی کتاب‌های شیخ طوسی بود که برای اولین بار وجود چهار نایب خاص امام زمان را مطرح نمودند.

## نواب اربعه

(۱) ابو عمرو عثمان بن سعید عمری

منابع شیعه اطلاعات کمی در مورد زندگی دو نایب اول امام زمان به دست می‌دهند. عثمان ادعا می‌نمود که فرزند حسن عسکری را به چشم دیده بود. او از وکیلان حسن عسکری و هادی بوده‌است. به اعتقاد کنونی شیعه، عثمان بن سعید مستقیماً توسط حسن عسکری به نیابت تعیین شده بود، هر چند به گفته کلم چنین پیاداست که تعیین وی به سمت واسطه امام دوازدهم به طور رسمی نبوده‌است. او سازماندهی شیعیان سامرا را به عهده داشت. در زمان حسن عسکری، عثمان پول از شیعیان عراق به شیعیان سامرا (که تحت کنترل شدید عباسیان بودند) می‌رساند. عثمان کسی بود که بعد از مرگ حسن عسکری، مراسم خاکسپاری او را سازمان‌دهی کرد.

(۲) ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید

محمد همراه پدرش عثمان بن سعید، وکالت حسن عسکری را بر عهده داشت. از دیدگاه کنونی شیعه، محمد چهل سال وکالت را عهده‌دار بود و طی این مدت وجوهات شیعیان را تحویل می‌گرفت و توقیعاتی از جانب امام به آنان می‌داد. وی سرانجام در سال ۳۰۵ قمری درگذشت.

(۳) ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

نکته مهم در مورد او این بود که بعد از ربع قرن ارتباط رسمی با امام غائب از سر گرفته‌شد. اولین توقیعی که نوبختی در ۲۴ شوال ۳۰۵ هجری ارائه نمود<sup>۲</sup> فرمانی بود که امام غائب در آن حسین بن روح را بعنوان نفر اول سلسله مراتب شیعه تأیید می‌کرد. به گفته شیخ طوسی شروع نیابت نوبختی به سال ۳۰۶ ه.ق. / ۹۱۷ م. بود. او توقیعاتی را منتسب به امام زمان ارائه می‌کرد و به پرسش‌های علمای قم پاسخ می‌داد. چنین به نظر می‌رسد که حسین بن روح نوبختی بیش از نواب پیشین نزد شیعیان هم عصرش شناخته شده بود. حسین بن روح توانست به عنوان تنها نایب زمان خود توسط شیعیان پذیرفته شود و خاندان نوبختی تأثیر غالبی بر جامعه شیعیان و علما داشتند. حسین بن روح همچنین کوشید تا غیبت را علاوه بر توجیه براساس حدیث، با رویکردی عقلی نیز توجیه نماید. حسین بن روح علاوه بر آنکه در میان شیعیان بغداد از موقعیت اجتماعی خوبی بهره‌مند بود، در میان دستگاه خلافت عباسی بخصوص آل فرات نیز از نفوذ و احترام قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود.

در دوران حسین بن روح، ابوجعفر محمد بن علی الشلمغانی (اعدام شده در سال ۹۳۳/۳۲۲) دستیار حسین روح و مامور او در بغداد، ادعا کرد که او سفیر واقعی و برحق حسین بن روح است و البته پس از چندی بطور کلی قضیه وجود امام غایب را انکار کرد. همچنین منصور حلاج نیز از کسانی بود که به مخالفت با نیابت حسین بن روح پرداخت و هر دو خشم شیعیان آن زمان را برانگیختند و با نفوذی که خاندان نوبختی داشتند، توسط دولت عباسی اعدام شدند.

(۴) ابوالحسن علی بن محمد سمیری (و. ۳۲۹ ه.ق. / ۹۴۱ م.)

از دیدگاه تاریخی، تنها در زمان خاندان نوبختی بود که نواب مورد پذیرش عموم شیعه بودند و کنترل شیعیان را در دست داشتند. در زمان علی بن محمد، این کنترل دوباره از بین رفت و مورد پذیرش عموم شیعیان نبود. با مرگ سمیری در سال ۳۲۹ دوران موسوم به غیبت کبری شروع شد.

## رویکرد اعتقادی: تولد، زندگی و قیام حجت بن حسن به روایت شیعه

در این بخش در خصوص دیدگاه‌های محدثان، متکلمان و نویسندگان شیعه درباره تولد، زندگی و قیام حجت بن حسن توضیح داده می‌شود.

### نام، القاب و کنیه

نوشتار اصلی: مهدی



نام مهدی در مسجد النبی.

بنا بر روایات شیعه حجت بن الحسن هم نام و هم کنیه با محمد پیامبر اسلام است. از محمد پیامبر اسلام، حدیثی با این مضمون نقل شده است: «مهدی از نسل من است. نام او نام من و کنیه‌اش، کنیه من است.» به گفته مادلونگ، این حدیث توسط طرفداران مختار ثقفی و شیعیان کیسانیه برای محمد حنفیه، فرزند علی ابن ابی طالب و امام شیعیان کیسانیه جعل شده بود.

به گفته ایتان کولبرگ قدیمترین سند اعتقادی شیعه که به امام دوازدهم شیعه اشاره دارد دو کتاب تذکره‌ای دینی فرق الشیعة حسن ابن موسی نوبختی و کتاب المقالات والفرق سعدبن عبدالله قمی می‌باشند. در این دو کتاب که در حدود سال نهم میلادی (حدود ۲۸۷ ه.ق.) تألیف شده‌اند، به هیچ وجه دلالت ندارد که نام امام دوازدهم در آن زمان مورد اتفاق امامیه بوده است، در این دو منبع به روشنی بیان شده است که این نام رازی است که نباید فاش گردد.

تنها اعضای فرقه‌ای دیگر او را «محمد» می‌خواندند. در هر صورت این نام توسط امامیه باید خیلی زود پذیرفته شده باشد، زیرا متکلم اهل سنت، ابوالحسن اشعری (۳۲۴ ه. / ۹۳۶ م.)، در مقالات الاسلامیین امامیه را کسانی معرفی میکند که اعتقاد دارند محمد ابن حسن همان امام غائب می‌باشد ساشادینا به روایاتی در شیعه اشاره می‌کند که اعلان نام امام دوازدهم را منسوب به زمان نایب دوم ابوجعفر می‌داند.

شیعیان از بردن نام اصلی او نهی شده‌اند. هدف این کار در منابع شیعه مانند کلینی، نعمانی و ابن بابویه (شیخ صدوق) حفاظت از منجی از خطری که متوجه او از جانب بنی‌عباس است، ذکر شده است. اما این اصل به‌طور همه جانبه توسط شیعیان رعایت نمی‌شد. برای هماهنگ سازی افکار در این زمینه، کوششی در قالب این توضیح به عمل آمده است که قائم دو نام دارد: یکی احمد که نام شناخته شده او است و دیگری محمد که مخفی است. لقب‌هایی مانند مهدی (هدایت شده)، منتظر (کسی است که انتظارش را می‌کشند)، صاحب الزمان، بقیه الله، و از همه بیشتر قائم به معنی قیام کننده است. لقب دیگر او حجت است. این نام به معنی اثبات وجود خدا در میان زمینیان است (یا کسی که به واسطه او خدای غیر قابل دسترس در دسترس قرار می‌گیرد).

### تولد و زندگی



چراغانی و آذین‌بندی کوچه‌ها و خیابان‌ها به مناسبت نیمه شعبان

توصیفات دقیقی در مورد مهدی از نیمه اول قرن دهم میلادی و قرن یازدهم میلادی (قرن چهارم و پنجم هجری) به بعد در کتاب‌های افرادی مانند شیخ طوسی، ابن بابویه و نعمانی وجود دارد. در روایات نقل شده از این کتاب‌ها نام‌های متعددی برای مادر مهدی نقل شده است؛ مانند نرجس، ریحان، سوسن، و مریم. برطبق همین روایات مادر مهدی کنیزی سیاه از نوبیه بوده است. سه نام اول که معمولاً از نام‌هایی بوده است که در آن زمان بر کنیزان نهاده می‌شده است گواهی بر این دسته از روایات هستند. در روایتی دیگر (که به نوشته امیرمعزی در دانشنامه ایرانیکا از دیدگاه تاریخی صحت ندارد و بدون شک جنبه‌ای افسانه‌ای و تذکره‌ای دارد) مادر مهدی دختر سزار روم شرقی بوده است که به اسارت مسلمانان در می‌آید و به صورت برده در بغداد به یکی از یاران هادی فروخته می‌شود. هادی نیز این کنیز را به عقد فرزندش درمی‌آورد. بر طبق بیشتر منابع، تولد مهدی در نیمه شعبان سال ۲۵۶ قمری یا ۸۷۰ میلادی می‌باشد (یکی از مهمترین جشن‌های شیعیان). اما منابع شیعه مانند شیخ مفید و کلینی سال تولد مهدی را ۲۵۵ هجری قمری ثبت نموده‌اند.

در روایات شیعه تولد امام شیعه، حالتی معجزه گونه دارد. در هنگام تولد او حکیمه عمه امام یازدهم شیعه حضور دارد. هرچند در ابتدا حضورش در خانه حسن عسکری اثری از غلایم بارداری در نرجس نمی‌بیند. در روایات شیعه به تواتر نقل شده است که مهدی در هنگام تولد سخن گفته است. به اعتقاد شیعه نشانه‌های حاملگی در مادر، و همچنین تولد طفل به شکل معجزه آسای مخفی ماندند، چرا که عباسیان به دنبال از بین بردن کودکی بودند که زمزمه‌هایی مبنی بر منجی بودن او وجود داشت. به گفته منابع شیعه، پدر فرزند، نوزاد را به چهل تن از اصحاب نزدیکش نشان داد و پس از آن کودک از دیده‌ها نپایان گردید. مطابق با بسیاری از منابع حسن عسکری تاکتیکی دو منظوره برای تأمین امنیت کودک در نظر گرفت. نخست آنکه به جز در نزد یاران نزدیکش، تولد

کودک را سری نگاه داشت. به عنوان مثال او تا آنجا پیش رفت که مادر خود (حدیث) را یگانه وارث خود اعلام نمود. به گفته امیرمعمری ما اکنون می‌دانیم که بر اساس فقه شیعه، تحت شرایط خاصی، وقتی که فرزندی از متوفی باقی نماند ارث متعلق به مادر متوفی خواهد بود. دوم اینکه، حسن عسکری منابعی در اختیار داشت که بر غبار اوضاع بیفزاید و توجه دیگران را به شرحی که خواهد آمد - از موضوع تولد فرزندش - پرت نماید. کمی پیش از مرگش در سال ۸۷۴، او شایعه‌ای را منتشر نمود مبنی بر اینکه کنیز او (ثقیل) فرزندی از وی را حمل می‌کند. خبرچینان خلیفه وقت (معمتد) فعالیت‌های امام حسن عسکری را که در آن زمان در اردوگاهی نظامی در سامرا تحت مراقبات بود از نزدیک از نظر گذراندند. پس از آنکه امام درگذشت، کنیز دستگیر شده و تحت مراقبت قرار گرفت. در طی یک سال بعد، او هیچ نشانه‌ای از حاملگی از خود بروز نداد و در نتیجه آزاد شده و به سرعت فراموش شد. بنا به گفته نویسندگان شیعه، به این ترتیب بود که قضای الهی اجرا شد و امام دوازدهم - منجی منتظر - نجات پیدا کرده و در خفا بزرگ شد.

بنابر اعتقاد شیعه دوازده امامی، پس از مرگ حسن عسکری جعفر بن علی، برادر حسن بن علی عسکری، اعلام کرد که امام شیعیان فرزندی نداشته‌است و وی جانشین برادر است؛ ولی به هنگام نماز گزاردن بر بدن حسن عسکری، حجت بن الحسن عمویش را کناری زد و بر او نماز گزارد. امامیه جعفر را «جعفر کذاب» در بین شیعیان شهرت دارد و به اعتقاد شیعه او به مانند کنعان فرزند نوح و قابیل فرزند آدم، فرزند ناخلف امام دهم شیعه بوده‌است. طبق روایت دیگر شیعه، کفن و دفن امام عسکری توسط سرپرست و کلای وی، عثمان بن سعید، انجام شد. عثمان بعداً به عنوان سرپرست و کلا در دوره غیبت نیز به فعالیت خود ادامه داد.

دیدگاه امروزی شیعه دوازده امامی این است که بحث مهدی، دوازده امام، قائم آل محمد و غیبت از زمان پیامبر مطرح بوده‌است و چنانکه محمد حسین طباطبایی می‌گوید، طبق احادیث، پیامبر دقیقاً مشخص کرده که مهدی پسر امام یازدهم خواهد بود. این دیدگاه، ظهور افراد و فرقی که در سده‌های اول و دوم، خود را مدعی مهدویت دانسته و به عنوان قائم آل محمد قیام کرده‌اند یا باور به غیبت یکی از پیشوایان داشته‌اند را مؤید نظر خود می‌داند. بنا بر این دیدگاه، موضوع غیبت مهدی از قبل نزد شیعیان مطرح بوده‌است؛ برای نمونه، به گفته طبرسی، یکی از محدثان شیعه به نام حسن بن محبوب (224 هـ / 838 م) که در عصر امامان پنجم و ششم شیعه، محمد باقر و جعفر صادق، می‌زیسته، در احادیث کتاب خود به نام «مشیخه» از دو غیبت کوتاه و طولانی قائم آل محمد یاد کرده‌است.

در روایات شیعه صاحب الزمان هر ساله در حج شرکت می‌کند. در طول تاریخ شیعه افراد زیادی ادعا نموده‌اند که مهدی را در هنگام حج ملاقات کرده‌اند. معدودی از روایات شیعه، محل زندگی مهدی را مکه ذکر کرده‌اند. این روایات چنین نقل می‌کنند که امام شیعیان در خانه‌ای بنام بیت الحمد زندگی می‌کند. در این خانه چراغی می‌باشد که از زمان تولد تا قیام صاحب الزمان روشن می‌باشد. روایتی دیگر محل زندگی مهدی را در کوه‌های بین مکه و طائف ذکر کرده‌است. همچنین روایاتی دیگر از حضور مهدی در روز عاشورا حکایت می‌کنند. این روایات محل زندگی امام شیعه را کربلا یا کوفه می‌دانند. در باورهای عامیانه چنین گفته می‌شد که مهدی در شهرهایی بنام جابلقا و جابلسا زندگی می‌کند. در قرن‌های گذشته سفرنامه‌های متعددی از شیعیانی موجود است که مدعی بوده‌اند که به این شهرها سفر کرده‌اند و به دیدن امام خود نائل شده‌اند. تنها دانش جغرافی مدرن بود که وجود نداشتن چنین شهرهایی را به مردمان نشان داد.

## غیبت

نوشتارهای اصلی: غیبت، غیبت صغری، و غیبت کبری

از دیدگاه شیعیان، دوران امامت وی به دو دوره غیبت و ظهور تقسیم می‌شود. دوره غیبت نیز به دو دوره غیبت صغری (کوتاه مدت) و غیبت کبری (بلند مدت) تقسیم می‌شود. غیبت صغری از تولد حجت بن الحسن در سال 255 ق. یا درگذشت امام یازدهم در سال 260 ق. آغاز می‌شود و تا مرگ چهارمین نایب خاص مهدی در سال ۳۲۹ (قمری) پایان می‌پذیرد. از این زمان غیبت کبری شروع شده و تا ظهور او ادامه خواهد داشت. در منابع شیعه حدود هفتاد روایت از پیامبر اسلام و اهل بیت وی درباره غیبت به طور صریح یا با اشاره همراه با تحلیل نقل شده است.

«غیبت» در شیعه به معنای ناپیدا بودن در مقابل «ظهور» است و نه به معنای «ناپدید بودن» در مقابل «حضور». از دیدگاه شیعیان، غیبت دوره‌ای است که مهدی در میان مردم هست، ولی ظهور ندارد. دوره غیبت به دو دوره غیبت صغری (کوچک‌تر) و غیبت کبری (بزرگ‌تر) تقسیم می‌شود و با ظهور مهدی به پایان می‌رسد. از دیدگاه شیعه، «صاحب الزمان» عنوان ویژه امام غایب است. کسی که برای حواس ظاهری ناپیدا، ولی

حاضر در قلب مؤمنان است. از دید هانری کربن نقد تاریخی برای درک و کشف پدیده غیبت ناکارآمد است، زیرا غیبت مربوط به «تاریخ قدسی» است. کربن تاریخ قدسی را تاریخی می‌داند که بر اساس مشاهده، ثبت و تحلیل شواهد تجربی استوار نیست بلکه براساس درکی است که از فرای حقایق مادی و تجربی آمده‌است.

به اعتقاد شیعه، زمین هیچگاه از امام معصوم خالی نخواهد ماند و همین امر دلیلی بر وجود امام زمان در دوران غیبت کبری است. برخی اسلام پژوهان امروزی عدم پذیرش عمومی آخرین نائب در میان جامعه شیعه را بمنزله شکست نهاد نیابت و سفارت به عنوان مرجع سلسله مراتبی مرکزی در میان جامعه



مرقد علی بن بابویه پدر شیخ صدوق. شیخ صدوق از روایت کنندگان اصلی گفتارهای حضرت محمد و یازده امام پیشین در خصوص امام غایب، دوران غیبت و ظهور منجی موعود است.

شیعه تلقی کرده‌اند. موزان مومن و ایتان کولبرگ می‌نویسند که شبکه وکلا توانست به اندازه طول عمر طبیعی یک انسان (هفتاد سال) انجام وظیفه نماید. اما بعد از آن حیرت و شک شیعیان در مورد غیبت مجدداً شروع شد. عالمان اوایل دوران آل بویه تلاش زیادی کردند تا در کتاب‌های خود غیبت امام دوازدهم را اثبات کنند.

از منظر شیعیان، با توجه به شرایط و فشارهای عباسیان، امام در خفا بسر می‌برد؛ اما در ابتدای دوران غیبت کبری، هیچ متن روشنی در میان منابع شیعه که دلالت بر طولانی بودن مدت غیبت حتی بیش از طول عمر انسان معمولی باشد وجود ندارد. در آن زمان کوششی برای توجیه عمر طولانی امام زمان انجام نشد. برخلاف آنچه ابن بابویه و دیگران انجام دادند. در سال‌های ابتدایی غیبت کبری اینکه کدام یک از دو غیبت امام شیعه طولانی‌تر خواهد بود روشن نبود. چنین عدم قطعیتی برای مثال در نوشته‌های نعمانی سیزده سال پس از غیبت کبری به چشم می‌خورد.

هانری کربن<sup>[27]</sup> در خصوص باور عرفانی شیعی نسبت به دوران غیبت کبری چنین می‌گوید که با آغاز این دوره امام دوازدهم در قلمرو مادی قرار ندارد. بدین ترتیب امام غائب تا زمان ظهور، تنها در رؤیا یا شهود قابل رؤیت می‌باشد. او در این شرایط ورای محیط طبیعت است. به اعتقاد شیعه در این دوران ولایت مهدی همچنان ادامه دارد و متوقف یا منقطع نشده اما به شکل پیچیده‌ای به حالت تعلیق درآمده‌است. این تعلیق با توجه به جایگاه بسیار رفیعی که شیعه برای امامان قائل است، جامعه شیعه را با پیامدهای تازه و پیچیده‌ای روبه‌رو می‌کند. از نظر شیعیان حجت بن حسن زنده، حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار آن‌هاست و شاید به طور ناشناس با او ملاقات کرده باشند. وی وجود حاضری است که حضور او قابل درک نیست. جامعه شیعه در تاریخ غیبت مجموعه بزرگی از اشعار، مراثی و مدایح، خواب‌ها و رؤیاها و الهام‌های شخصی و ادعاهای ارتباط اشخاص پرهیزگار با او را گردآوری کرده که این امر حضور وی در صحنه و فعالیتش را برای جامعه شیعیان همچنان ملموس نگاه داشته‌است. در روایات شیعه نقش امام در زمان غیبت گاه به خورشید پشت ابر تشبیه شده‌است شریف مرتضی در استدلال خود در زمینه غیبت امام دوازدهم شیعیان موضوع "لطف" در وجود غیبت را چنین خلاصه می‌کند:

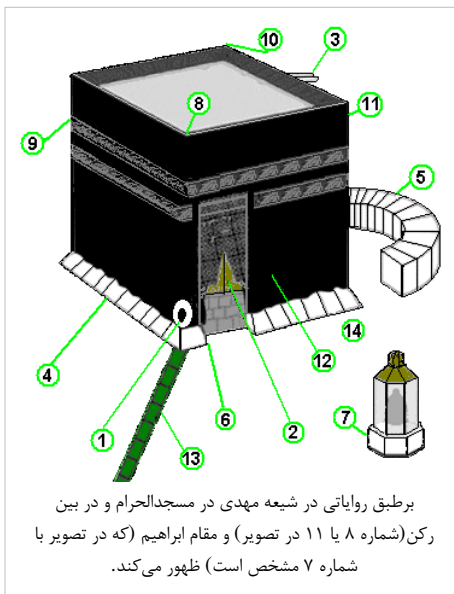
با نیل به وجود او در میانشان و با اطمینان از وجوب اطاعت از او، شیعیان بی شک از او شرم خواهند نمود و به او احترام می‌گذارند و در نتیجه مرتکب شر نمی‌شوند. آنها از اینکه از جانب او مورد توبیخ یا سرزنش قرار گیرند واهمه دارند. به این ترتیب، ارتکاب اعمال بد در میانشان کم می‌شود و اعمال خوب زیاد می‌گردد.

## ظهور، قیام و تشکیل حکومت جهانی

نوشتارهای اصلی: مهدی، ظهور، و نشانه‌های ظهور قائم

در روایات شیعیان نشانه‌های متعددی برای ظهور مهدی قائم ذکر شده‌است از جمله: خروج یمانی، سفیانی، صیحه آسمانی که از آمدن قائم خبر می‌دهد، کشته شدن نفس زکیه در مکه تها ۱۵ روز قبل از ظهور قائم، فرورفتن سرزمین بیداء (فرورفتن ارتش سفیانی در زمین در هنگام رژه در مکه). هر چند طوسی، نعمانی و صدوق در ترتیب اتفاق افتادن این نشانه‌ها با هم یک نظر نیستند. هر سه ذکر می‌کنند که این نشانه‌ها در یک سال اتفاق می‌افتد. در این روایات مهدی در بین رکن‌ها و مقام ابراهیم، در کعبه ظهور می‌کند. روز ظهور مقارن با عاشورا است. مرکز حکومت وی در کوفه قرار دارد. وی مقر حکومتش را در مسجد کوفه برپا می‌کند و خزانه اش را در مسجد سهله مستقر می‌کند.

در روایات شیعه، شیعیان از تعیین وقت ظهور مهدی بر حذر داشته شده‌اند، و تعیین‌کنندگان وقت ظهور، دروغگو دانسته شده‌اند. در میان روایات شیعه، اجماعی در مورد مدت زمان حکمرانی مهدی پس از ظهورش نیست. برای مثال حدیثی از محمد باقر، امام پنجم شیعه نقل شده‌است که مدت زمان حکومت مهدی را پس از ظهور ۳۰۹ سال ذکر کرده‌است. حدیثی دیگر به نقل از صادق نقل شده‌است که این مدت را هفت سال ذکر کرده‌است اما به گفته جعفر صادق، امام ششم شیعیان امامی، هر سال این حکومت به اندازه هفتاد سال عادی خواهد بود. در حدیثی دیگر که ابن بابویه از صادق نقل کرده‌است او از وجود دوازده مهدی پس از قائم (و نه



دوازده امام) خبر داده‌است. این مهدی‌ها از میان شیعیان امام زمان خواهند بود.

طبق نظر علی کورانی در کتاب عصر ظهور بر اساس جمع بندی روایات شیعه و سنی در خصوص ظهور و قیام مهدی موعود، ظهور مهدی از ابتدا تا تشکیل حکومت چهارده ماه طول می‌کشد. ظهور از ماه رجب و با خروج سفیانی آغاز می‌شود. در شش ماه نخست، ظهور مهدی غیرعلنی است و او در اضطراب و نگرانی است و امور را به طور مخفیانه توسط یارانش رهبری می‌کند. سپس در روز عاشورا از ماه محرم قیام قائم از مکه در مسجدالحرام در کنار کعبه با 313 تن از یارانش آغاز می‌شود؛ در حالی که پرچم حضرت محمد در غزه بدر را در دست دارد که بر آن نوشته شده است: *أَلْبَيْعَةُ لِلَّهِ*؛<sup>[28]</sup> سپس از آنجا رهسپار مدینه، و بعد عراق و نهایتاً شام می‌شود. او طی هشت ماه دشمنانش را شکست می‌دهد و جهان اسلام را یکپارچه تحت فرمان حکومت خود در می‌آورد. سرانجام وارد قدس می‌شود. آنگاه با رومیان (که به نظر کورانی مقصود غربیان هستند) پیمان آتش‌بس می‌بندد. در این اثنا طبق روایات مسلمانان عیسی از

ملکوت فرود می‌آید، تا حجت بر یهودیان و مسیحیان تمام شود. ترتیب حوادث فرود مسیح و آتش بس میان مسلمانان و رومیان (غربیان) در روایات دقیقاً مشخص نیست. به هر حال مسیح به مهدی می‌پیوندد و پشت سر مهدی نماز می‌خواند. سپس رومیان پیمان آتش بس را نقض می‌کنند و جنگ بسیار بزرگی

در ساحل شرقی مدیترانه رخ می‌دهد و مهدی پیروز می‌شود.

## پس آیند اعتقاد به امام دوازدهم در طول تاریخ و مسائل امروزی

برای بیشتر از یک هزاره، ایده ظهور مهدی در آینده روزنه امیدی برای مذهب شیعه به ارمغان آورده است. امید به ظهور امام در آینده به عنوان نیروئی متعادل کننده در میان شیعیان عمل نموده تا هر فعالیت سیاسی را تا ظهور امام مورد انتظار به تعویق بیندازند. موعود گرایی دوازده امامی جنبشی آرامش طلب است که به دنبال حضور صلح آمیز در جامعه مسلمانان در عین نگاه داشتن ویژگی‌های اختصاصی خود در زمینه امامت و مخصوصاً امامت حجت غائب است. محمد حسین طباطبایی در خصوص آثار باور به امام غائب از نظر شیعه می‌نویسد: تصور ظهور مهدی در ردیف تصور قیامت می‌باشد که مشابه اعتقاد به پاداش و جزای اعمال موجب حفاظت حیات معنوی مسمانان می‌شود. این باور مربوط به دو قرن و نیم پس از ظهور اسلام نیست بلکه پیامبر پیش از ولادتش بشارت داده که برای شیعیان معتقد از آغاز نقطه امید بوده‌است. باور به ظهور مهدی به انسان نوید می‌دهد که جهان بشری سرانجام به روزی به کمال مطلوب که حیات سراسر سعادت و خوشبختی و کامیابی است دست خواهد یافت. با وجود ایمان به چنین حقیقتی تصور شکست خوردن و بی فایده بودن تلاش برای انسان مسلمان محال است. با چنین ایمان مسلمان پیوسته خود را کامیاب می‌یابد و هرگز در اثر انباشت مشکلات و گرفتاری‌ها امید نجات و رستگاری را از دست نخواهد داد.

در قرن چهارم هجری و هنگامی سلسله شیعه آل بویه بر عراق و ایران مسلط شدند. هفتاد سال از غیبت امام شیعه می‌گذشت و یک امام غایب محدودیتی برای آل بویه بوجود نمی‌آورد. بنابراین آل بویه که در ابتدا شیعه زیدی بودند، به شیعه دوازده امامی گرایش یافتند و از آن حمایت نمودند. از طرف دیگر فشارها و سرکوب‌های عباسیان با یک احساس شدید یاس در میان شیعیان امامیه که برخلاف بسیاری از شیعیان زیدیه از به چنگ آوردن قدرت از طریق روش‌های انقلابی باز مانده بودند، همراه و همزمان بود. برای آنها امام غائب، جاذبه‌های فکری و سیاسی آشکاری به دنبال داشت. این امر امامیه را قادر ساخت تا حکومت طرفدار شیعه آل بویه را به رسمیت بشناسد و با آن همکاری کند، بدون آنکه وفاداری خود را نسبت به امام غایب خود فدای این کار سازند. این همکاری با آل بویه توانست شیعیان را به مرکز قدرت نزدیکتر نماید. با اعلام وفاداری به آل بویه، شیعیان توانستند در تقاضای حقوق خود صریحتر و بی پروا تر باشند. به نظر کولبرگ در این دوران شیعیان با تقویت پایگاه خود در مراکز حساس مالی و حکومتی، شاید در پی این بودند که

از یک سو امتیازاتی از شکل موجود حکومت به دست آورند و از سوی دیگر نهایتاً مذهب تسنن را از درون تضعیف کنند.



در روز جمعه شاه والجاه بجانب مسجد جمعه تبریز رفته فرمودند تا خطیب آنجا که یکی از اکابر شیعه بود، بر سر منبر رفت و شاه خود برفراز منبر برآمد. شمشیر حضرت صاحب الامر علیه السلام را برهنه نمود و چون آفتاب تاین ایستاد، نگاره ای درباره اعلام شیعه بعنوان مذهب رسمی ایران توسط شاه اسماعیل صفوی در مسجد جامع تبریز در سال ۱۵۰۱ میلادی. زمانی که شاه اسماعیل صفوی ایران را تسخیر نمود بسیاری از هواداران شاه اسماعیل، او را همان مهدی موعود دانستند.



مسجد جمکران محلی که بر طبق برخی روایات متأخر شیعه به خواست حجه ابن الحسن بنا شده‌است و مورد توجه وی می‌باشد.

هنگاهی که ترکان سلجوقی از شمال شرق ایران به پیش آمدند و سرزمین‌های اسلامی مسخر کردند. براساس شعرهای منسوب به زمان جعفر صادق، نویسندگان اسلامی ترکان را زمینه ساز ظهور مهدی می‌دانستند. هنگامی که مغولان به ایران حمله نمودند دوباره چنین اعتقاداتی در مورد مغولان در بین شیعیان که در آن زمان در ایران کماکان در اقلیت بودند، جاری شد. شیعیان پرنفوذی مانند خواجه نصیر توسی نیز با مغولان همکاری نمودند.

در طول تاریخ شیعه افراد متعددی بوده‌اند که با نام مهدی قیام کرده‌اند و در مواردی خود توانسته‌اند نظامی نو به وجود آورند. بنابر گفته ژان پیر فیلیو از زمان تبیین دکترین غیبت توسط روحانیت شیعه، با هدف محدود کردن جنبش‌ها و قیام‌های سیاسی تحت نام مهدی، روحانیت شیعه کوشش کرد که خود تنها نهادی باشد که وظیفه تفسیر نشانه‌ها و زمان ظهور را به عهده داشته باشد. اما این تلاش روحانیت شیعه برای کنترل جنبش‌های سیاسی تحت نام مهدی همیشه موفقیت آمیز نبوده‌است. برای مثال زمانی که شاه اسماعیل صفوی ایران را تسخیر نمود، بسیاری از هواداران شاه اسماعیل، او را همان مهدی موعود دانستند. هر چند بعد از شکست شاه صفوی از ترکان عثمانی او مجبور شد از جاه‌طلبی‌های خود عدول کند. از آن پس شاه اسماعیل در نزد طرفدارانش به عنوان نماینده امام زمان شناخته می‌شد. جنبش بابی بدون شک شاخص‌ترین جنبش‌های موعودگرایی شیعه پس از ظهور صفویان بود. این جنبش نتیجه حدود نیم قرن انتظار برای ظهور امام زمان بدنبال فرارسیدن هزاره مهدی و تعالیم و آموزه‌های درون و برون جنبش شیخیه بود. علی محمد باب ابتدا ادعا نمود که باب امام زمان است و سپس در سال ۱۲۶۴ ه. ق. / ۱۸۴۸ م. آشکارا ادعا نمود که مهدی موعود است. این جنبش در نهایت به گسست از شیعه و تشکیل آیینی جدید منجر شد.

در دوران معاصر جنبش‌های متعددی در بین شیعیان لبنان، عراق و ایران شکل گرفته‌است که یا خود را نماینده امام زمان یا هموارکننده زمینه‌های ظهور امام زمان دانسته‌اند یا مدعی هدایت و تأثیرگیری جنبش توسط امام زمان بودند. چنین رویکردی را در دوران معاصر در جنبش‌ها و نظام‌هایی مانند نظام جمهوری اسلامی ایران، جیش المهدی به رهبری مقتدی صدر و حزب‌الله لبنان می‌توان دید.

هزاران نفر از شیعیان به مسجد جمکران در حوالی قم و در مسیر راه قم-کاشان می‌روند. به خصوص در سه شنبه شب و روزی که در روایات شیعه، مهدی در این روز و در این محل ظاهر شده‌است. در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، او عنوان می‌کرد که امام مهدی فعالیت‌های روزانه دولت او را حمایت می‌کند و به او در مواجهه با فشارهای بین‌المللی کمک می‌نماید. یا در سخنرانی دیگری عنوان نمود که دلیل حمله آمریکا به عراق این بوده‌است که آنها دریافته بودند که امام زمان قرار است که در عراق ظهور کند. این اظهار نظرهای احمدی نژاد با انتقادهای زیادی از جانب منتقدین وی و روحانیان شیعه مواجه شده‌است. در سال ۲۰۱۱ میلادی مستند جنجالی ظهور بسیار نزدیک است باعث جنجال‌های بسیار شد. تا آنجا که منابع دولتی در ایران از ممنوعیت انتشار و توزیع این مستند خبر دادند.

در کنار جمکران مکان‌های دیگری به‌خاطر ارتباطش با امام دوازدهم شیعیان مورد توجه قرار گرفته‌است و قداست یافته‌است. مانند کوه سفید جنب مسجد جمکران که در بین باورمندان به محل پادگان سپاه مهدی در هنگام ظهور شهرت یافته‌است یا مسجد محدثین در شمال ایران و در شهر بابل که مشهور است که به دستور امام زمان ساخته شده‌است.

اعتقاد به ظهور امام غایب (به عنوان مهدی)، شیعیان را در تحمل شرایط دشوار یاری نموده و به آنها امید آینده‌ای سرشار از دادگری داده‌است. مبالغه آمیز نیست اگر گفته شود بدون اعتقاد به چنین نقشی برای امام دوازدهم، مذهب شیعه نمی‌توانست در مقابل آزار و اذیت سلسله‌های مختلف در تاریخ اسلام - تا پیش از تشکیل صفویه در قرن شانزدهم - دوام بیاورد. بنابراین غیبت امام به عنوان نیروی خَلّاقی در جانهای شیعیان عمل نمود تا نه تنها در مقابل مشکلات زمان صبور باشند، بلکه آنها را آماده نمود تا وظیفه تاریخی خود در تاسیس حکومت اسلامی حتی پیش از آنکه امام رهبری شیعیان را بر عهده بگیرد را به انجام برسانند.

## دیدگاه اهل سنت

با توسعه دکترین مهدویت در نزد شیعیان، فقه سنت سعی نمود تا از اعتقاد به مهدی فاصله بگیرد. با وجود حمایت از اعتقاد به مهدی توسط بعضی محدثین مهم اهل سنت، اعتقاد به مهدی هیچگاه بعنوان مبانی اصلی فقه اهل سنت در نیامده‌است. در اعتقادات اهل سنت به مهدی اشاره شده‌است، ولی بصورت نادر. بسیاری از علمای مشهور اهل سنت مانند محمد غزالی از بحث کردن در مورد این موضوع اجتناب کرده‌اند. البته به گفته مادلانگ این اجتناب کمتر بخاطر عدم اعتقاد به مهدی و بیشتر (بگفته رضا اصلان بخشی) بخاطر برنیاختن شورش‌ها و جنبش‌های اجتماعی بوده‌است. هر چند همچنان بحث‌های شدیدی بین علمای سنی در خصوص نقش مهدوی و سیاسی وی وجود دارد. موارد استثنایی مانند ابن خلدون در کتاب مقدمه وجود دارد که آشکارا با اعتقاد به مهدی مخالفت می‌کند و تمام احادیث مربوط به مهدی را ساختگی می‌داند. در میان محدثین و علمایی که به مهدی پرداخته‌اند دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در احادیثی در کتاب‌های اهل سنت مهدی همان عیسی مسیح است. در روایاتی دیگر حرفی از هویت فرد نیست و یا گفته شده‌است که به همراه عیسی قیام می‌کند. همچنین مهدی از نسل حسین، نسل حسن و یا فرزند حسن عسکری، امام یازدهم شیعه دوازده امامی، ذکر شده‌است. طبق گفته ویلفرد مادلونگ در دانشنامه اسلام، بین قرون هفتم تا سیزدهم هجری برخی علمای اهل سنت از این عقیده که حجت بن حسن همان مهدی منتظر است حمایت کردند:

- در سال ۶۴۸ (ه. ق. / ۱۲۵۰ م.) محدث سوری شافعی مذهب، محمد ابن یوسف الکتجی القریشی، کتابی تالیف کرد با عنوان "البیان فی اخبار صاحب الزمان" که در آن با استناد به احادیث اهل تسنن اثبات نمود امام دوازدهم همانا مهدی است.
- در سال ۶۵۰ (ه. ق. / ۱۲۵۲ م.) کمال الدین محمد اهوازی، دانشمند شافعی، کتاب مطالب السوال فی مناقب آل رسول، را در شهر حلب تکمیل نمود. در این کتاب وی از امامت دوازده امام پشتیبانی نمود و به مخالفت‌های اهل تسنن در زمینه اعتقاد به اینکه امام دوازدهم همان مهدی است پاسخ داد.

- سبط ابن جوزی، کمی پیش از وفات خود در سال ۶۵۴ (ه.ق.) در دمشق، کتاب تذکره خواص العلما را نوشت که در آن گزارش‌های منابع اهل تسنن را در بیان فضائل علی و فرزندانش به خصوص دوازده امام را گرد آوری نمود و در پایان تصریح نمود که امام دوازدهم همانا صاحب عصر، و مهدی موعود است.
- در دایره صوفیان نیز منابعی در تأیید مهدی بودن امام دوازدهم وجود دارد. ابو بکر بیهقی (وفات ۱۰۶۶/۴۵۸) بیان نموده است که برخی از مشایخ صوفیه نظر امامیه در مورد هویت مهدی و غیبت او را قبول دارند. صوفی ایرانی، صدر الدین ابراهیم الهموی (اواخر ساده ۱۳/۷) از نظر امامیه در کتابش، فرائض السیمتین پشتیبانی نمود. صوفی مصری، الشعرانی، با وجود اینکه عموماً هیچ موافقتی با شیعه نشان نمی‌داد، در کتاب یواقیت و الجواهر (نوشته شده در سال ۱۵۵۱/۹۵۸) تصریح نمود که مهدی پسر امام حسن عسکری است که در سال ۸۶۹/۲۵۵ به دنیا آمده است و تا زمان ملاقات با عیسی زنده خواهد ماند.

## یادداشت

- [1] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/3.htm#2](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/3.htm#2)) Books on the question of the occultation written before 260/874
- [2] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/3.htm#3](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/3.htm#3)) Books on the question of the occultation written between the years 260-329/874-941
- [3] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/3.htm#4](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/3.htm#4)) Books on the question of the Ghayba written after 329/941
- [4] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/3.htm#4](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/3.htm#4)) Books on the question of the Ghayba written after 329/941
- [5] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/3.htm#6](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/3.htm#6)) The Books of General History
- [6] The early usage of the .1 ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/10.htm#5](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/10.htm#5)) The Application of the Epithet al-Mahdi to the Twelfth Imam
- [7] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/4.htm#1](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/4.htm#1)) term al-Mahdi Wilferd Madelung
- [8] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/4.htm#1](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/4.htm#1)) The early usage of the term al-Mahdi .1
- [9] Conclusion .5 ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/10.htm#5](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/10.htm#5)) The Application of the Epithet al-Mahdi to the Twelfth Imam
- [10] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/11.htm](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/11.htm)) Timothy Furnish
- [11] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/4.htm#3](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/4.htm#3)) The traditions concerning the Twelfth Imam and his occultation .3
- [12] امام مهدی در آئینه ادیان، مرتضی عسکری، صفحه 1 ([http://lib.ahlolbait.com/parvan/resource/41915/0§0\\_0](http://lib.ahlolbait.com/parvan/resource/41915/0§0_0))
- [13] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/6.htm#6](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/6.htm#6)) iyya'Schism IV: The Qat 1.5
- [14] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/6.htm#1](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/6.htm#1)) .The Schisms Amongst the Adherents of al-Hasan al 'Askari After His Death .1
- [15] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/7.htm#3](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/7.htm#3)) .id'The Early Career of Uthman b. Sa .3
- [16] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/6.htm#1](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/6.htm#1)) .The Schisms Amongst the Adherents of al-Hasan al 'Askari After His Death .1
- [17] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/6.htm#4](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/6.htm#4)) farites'Schism II: The Ja 1.3
- [18] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/6.htm#14](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/6.htm#14)) The Abbasid Attempt to Arrest al- 'Askari's Son .5
- [19] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/6.htm#11](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/6.htm#11)) The Birth of the Twelfth Imam 2.2
- [20] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/7.htm#3](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/7.htm#3)) .id'The Early Career of Uthman b. Sa .3
- [21] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/6.htm#6](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/6.htm#6)) iyya'Schism IV: The Qat 1.5
- [22] Etan Kohlberg
- [23] Abdulaziz Sachedi
- [24] Verena Klemm
- [25] بسم الله الرحمن الرحيم يا علي بن محمد السمري اعظم الله اجرا خوانك فيك، فانك ميت ما بينك و بين ستة ايام، فاجمع امرک و لاتوص الي احد فيقوم مقامك بعد وفاتك، فقد وقعت الغيبة التامة فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالى ذكره، و ذلك بعد طول الامد و قسوة القلوب و امتلاء الارض جوراً. و سياًتي الي شيعتي من يدعي المشاهدة، الا فمن ادعي المشاهدة قبل خروج السفيناتي و الصيحة فهو كذاب مفتر، ولا حول و لا قوول الا بالله العلي العظيم. بنگريد: الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۸. كمال الدين، ج ۲، ص ۵۱۶، حديث. ۴۴. الغيبة، ص 395
- [26] ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/7.htm#1](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/7.htm#1)) A Brief Study of the Wikala Before the Twelfth Imam .1
- [27] Henry Corbin
- [28] كمال الدين و تمام النعمة، شيخ صدوق، ص 654.



## پانویس

## منابع

- «لقاب حضرت مهدی (عج)» (<http://www.webcitation.org/65TQURaBu>). حوزه علمیه قم، مهر ۱۳۸۰. بازبینی شده در ۵ ژانویه ۲۰۱۲.
- «لقاب و کنیه‌های حضرت» (<http://www.webcitation.org/65TQa72ou>). حوزه علمیه قم، آبان ۱۳۸۰. بازبینی شده در ۵ ژانویه ۲۰۱۲.
- الوری، محسن. «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی عشری» (<http://www.webcitation.org/65TQeZwbL>). مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷. بازبینی شده در ۲۲ آوریل ۲۰۱۱.
- «امام زمان (عج) در پاسخ ابن‌بابویه چه نوشتند؟» (<http://www.webcitation.org/68aMQPKfj>). تبیان. بایگانی شده از نسخه اصلی ([http://www.tebyan.net/Religion\\_Thoughts/InAwaitingOfSavior/Articles/2011/8/18/176673.html](http://www.tebyan.net/Religion_Thoughts/InAwaitingOfSavior/Articles/2011/8/18/176673.html)) در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۲. بازبینی شده در مرداد ۱۳۹۰.
- جعفریان، رسول. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع). تهران: انصاریان، ۱۳۸۷. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۳۸-۰۰۱-۳.
- حسینی، سید علی. «مروری اجمالی بر آثار مهدی از غیبت کبری تا قرن هفتم هجری» (<http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberID=6561>). پایگاه حوزه. بازبینی شده در ۱۴ آوریل ۲۰۱۱.
- رهبر، محمد. «منتظران ظهور؛ مستند سازی درباره امام دوازدهم شیعیان» (<http://www.webcitation.org/68aMYJhv2>). بی‌بی‌سی فارسی، ۲۶ فروردین ۱۳۹۰. بایگانی شده از نسخه اصلی ([http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/04/110415\\_123\\_mr\\_imam12th\\_mobasheran\\_zuhoor\\_khamenei\\_ahmadinejad.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/04/110415_123_mr_imam12th_mobasheran_zuhoor_khamenei_ahmadinejad.shtml)) در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۲. بازبینی شده در ۲۷ فروردین ۱۳۹۰.
- سینا، حسین. نگاهی به اندیشه سیاسی شیعی در گذر زمان. ج. دفتر پنجم. به کوشش حسن یوسفی اشکوری. تهران: نشر یادآوران، ۱۳۷۰.
- صالح‌نیا، یحیی. «نامه‌های امام زمان» (<http://www.webcitation.org/68aMa2WaU>). بایگانی شده از نسخه اصلی ([http://imis.epage.ir/fa/module.content\\_Lang\\_fa\\_Page.21-01-02.html.html](http://imis.epage.ir/fa/module.content_Lang_fa_Page.21-01-02.html.html)) در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۲. بازبینی شده در مارس ۲۰۱۱.
- طباطبایی، محمد حسین. ظهور شیعه علامه طباطبایی به ضمیمه مصاحبه با پروفیسور هانری کرین. انتشارات فقیه، ۲۰۱۱. ۶۲.
- کورانی، علی. عصر ظهور. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۲۱۵-۸.
- کرین، هانری. تاریخ فلسفه اسلامی. تهران: کویر، انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۷۳. شابک ۹۶۴-۶۱۴۴-۱۹-۵.
- کولبرگ، ایتان. «از امامیه تا اثنی عشریه» (<http://www.webcitation.org/68aMbY4v0>). مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲. بایگانی شده از نسخه اصلی (<http://www.hawzah.net/Hawzah/Articles/Articles.aspx?LanguageID=1>) در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۲. بازبینی شده در ۲۲ آوریل ۲۰۱۱.
- نعمانی طوسی نوبختی) در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۲. بازبینی شده در ۲۲ آوریل ۲۰۱۱.
- «جعفر کذاب» (<http://www.webcitation.org/68aMdDNSj>). مرکز جهانی اهل‌البیت. بایگانی شده از نسخه اصلی (<http://www.montazar.net/montazar-far/selecttext.php?ic=1212>) در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۲. بازبینی شده در ۲۴ آوریل ۲۰۱۱.
- Amanat, Abbas. "Islam in Iran v. Messianic Islam in Iran" (<http://www.webcitation.org/65NKcFsaG>). In *Encyclopædia Iranica*. 2007. Archived from the original (<http://www.iranicaonline.org/articles/islam-in-iran-v-messianic-islam-in-iran>) on 11 February 2012. Retrieved February 2012.
- Amir Arjomand, Said. "Ġayba" (<http://www.webcitation.org/65NLC7mMx>). In *Encyclopædia Iranica*. 2000. Archived from the original (<http://www.iranicaonline.org/articles/gayba>) on 11 February 2012. Retrieved February 2012.
- Amir-Moezzi, Mohammad Ali. *The divine guide in early Shi'ism: the sources of esotericism in Islam*. SUNY Press, 1994. ISBN 0791421228.
- Hussain, Jassim M. *Occultation of the Twelfth Imam: A Historical Background*. [http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam/](http://www.al-islam.org/occultation_12imam/); Law Book Co of Australasia, 1985. ISBN 0710301588.
- Amir-Moezzi, Mohammad Ali. "Islam in Iran vii. The Concept of Mahdi in Twelver Shi'ism" (<http://www.iranicaonline.org/articles/islam-in-iran-vii-the-concept-of-mahdi-in-twelver-shiism>). In *Encyclopædia Iranica*. 2007.
- Aslan, Reza. "Mahdi". Juan Eduardo Campo. In *Encyclopaedia of Islam*. 1st ed. New York: Infobase Publishing, 2009. 447–448.
- Berkey, Jonathan P.. *The Formation of Islam: Religion and Society in the Near East, 600–1800*. Cambridge University Press, 2003. ISBN 978-0-511-06580-4.

- Calmard, Jean. "Jamkarān" (<http://www.webcitation.org/68aMisiFp>). In *Encyclopædia Iranica*. 2011. Archived from the original (<http://www.iranicaonline.org/articles/jamkaran>) on June 21, 2012. Retrieved April 2012.
- Corbin, Henry. *History of Islamic Philosophy*. Translated by Liadain Sherrard, Philip Sherrard. London: Paul International in association with Islamic Publications for The Institute of Ismaili Studies, 1993. ISBN 0710304161.
- Eliash, J.. "Ḥasan al-ʿAskarī". In *Encyclopaedia of Islam*. vol. III. E. J. Brill, 1986. 246–247. ISBN 9004078193.
- Fathi, Nazila. In *Iran, Debate Over an Article of Faith* (<http://www.webcitation.org/mainframe.php>). The New York Times, May 18, 2008. Retrieved March 6, 2011.
- Filiu. "The Return of Political Mahdism". *Current Trends in Islamist Ideology* vol. 8 (May 21): 38–26.
- Furnish, Timothy R. and Michael Rubin. *Holiest wars: Islamic Mahdis, their Jihads, and Osama bin Lade*. Praeger Publishers, 2005. ISBN 0275983838.
- Halm, Heinz. *Shi'ism*. Columbia University Press, 1987. ISBN 0231135874.
- Hodgson, M. G. S.. "Ḥudjdja". In *Encyclopaedia of Islam*. vol. 3. Leiden: Brill, 1986. 544–545. ISBN 90 04 08118 6.
- Hussain, Jassim M. "Chapter 2: Messianism and the Mahdi". Seyyed Hossein Nasr, Hamid Dabashi, Seyyed Vali Reza Nasr. In *Expectation of the millennium: Shi'ism in history*. 2nd ed. Albany, USA: SUNY Press, 1987. ISBN 0887068448.
- Klemm, Verena. "Islam in Iran ix. The Deputies of Mahdi" (<http://www.webcitation.org/65TQCxlyF>). In *Encyclopædia Iranica*. 2007. Archived from the original (<http://www.iranicaonline.org/articles/islam-in-iran-ix-the-deputies-of-mahdi>) on 15 February 2012. Retrieved March 2011.
- Kohlberg, Etan. "From Imāmiyya to Ithnā-'ashariyya". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* (Cambridge University Press on behalf of School of Oriental and African Studies) 39, no. 3 (1976): 521–534.
- Kohlberg, Etan. "Safīr". In *Encyclopaedia of Islam*. vol. 5. 2nd ed. Leiden: E. J. Brill, 1986. ISBN 90 04 09834 8.
- Madelung, Wilferd. "al-Mahdī". In *Encyclopaedia of Islam*. vol. 5, *Khe-Mahi*. 2nd ed. Leiden: E. J. Brill, 1986. 1231–8. ISBN 90-04-07819-3.
- Modarressi, Hossein. *Crisis and Consolidation in the Formative Period of Shi'ite Islam: Abu Ja'Far Ibn Qiba Al-Razi and His Contribution to Imamite Shi'ite Thought*. Princeton: Darwin Press, 1993. ISBN 0-878-50095-2.
- Momen, Moojan. *An Introduction to Shi'i Islam*. Yale University Press, 1985. ISBN 0300035314.
- Sachedina, Abdulaziz Abdulhussein. *Islamic messianism: the idea of Mahdī in twelver Shi'ism*. SUNY press, 1981. ISBN 0-87395-442-4.
- Sachedina, Jassim M Abdulaziz Abdulhussein. "Chapter 2: Messianism and the Mahdi". Seyyed Hossein Nasr, Hamid Dabashi, Seyyed Vali Reza Nasr. In *Expectation of the millennium: Shi'ism in history*. 2nd ed. Albany, USA: SUNY Press, 1987. ISBN 0887068448.
- Poonawala, Ismail K. "Crisis and Consolidation in the Formative Period of Shi'ite Islam: Abu Ja'far ibn Qiba al-Razi and His Contribution to Imamite Shi'ite Thought by Hossein Modarressi". *Journal of Law and Religion* (Journal of Law and Religion, Inc.) 15, no. 1/2 (2000-2001): 455–458.
- Silverstein, Adam. *Islamic history: A very short introduction*. OUP, 2010. ISBN 9780199545728.
- Tabatabaee, Sayyid Mohammad Hosayn. *Shi'ite Islam*. Translated by Seyyed Hossein Nasr. Suny press, 1979. ISBN 0-87395-272-3.
- Tabataba, Allamah. "Chapter 2: Messianism and the Mahdi". Seyyed Hossein Nasr, Hamid Dabashi, Seyyed Vali Reza Nasr. In *Expectation of the millennium: Shi'ism in history*. 2nd ed. Albany, USA: SUNY Press, 1989. ISBN 0887068448.

## پیوند به بیرون

- « مفهوم مهدی در نزد شیعیان دوازده امامی »  
(<http://www.iranicaonline.org/articles/islam-in-iran-vii-the-concept-of-mahdi-in-twelve-shiism>) در دانشنامه ایرانیکا
- « غیبت (gayba) » در دانشنامه ایرانیکا  
(<http://www.iranicaonline.org/articles/gayba>)
- « نایبان مهدی (the deputies of mahdi) » در دانشنامه ایرانیکا  
(<http://www.iranicaonline.org/articles/islam-in-iran-ix-the-deputies-of-mahdi>)
- by (The Occultation of the Twelfth Imam (A Historical Background) ([http://www.al-islam.org/occultation\\_12imam](http://www.al-islam.org/occultation_12imam)))  
Jassim M. Hussain

پسین: —	امام دوازدهم شیعیان دوازده امامی ۲۶۰ هجری قمری تاکنون	پیشین: حسن عسکری
------------	---	---------------------

## منابع مقاله‌ها و مشارکت‌ها

حجت بن حسن (مهدی) منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?oldid=10895517 همکاران: Aami, Abtinb, Admor1, Aleem, Alfeqh, Ali Esfandiari, Ali hsn, AliAbu, Alieseraj, Alirezasalam, Amirepsilon, Amirreza, Andolos, Animasola, Arash Bikhoda, Arashhomayoon, Atalay, Babak info, Behaafarid, Behzaad, Behzad.Modares, Bidabadi, BlueDevil, Carl, Categoror ,Centralwebsite, Choqa zanbil, Cobain, Coffeetalkh, CommonsDelinker, Created for editing an article, Daszarrin, Drittes Reich 1940, Ebraminio, Elessar, Elmju, Elph, Eslöv, Espiral, Ezrila ,Farhad.smart, Farzaaad2000, Gire 3pich2005, Godisnowhere, Grim reaper, H.b.sh, Hamedvahid, In twilight, Info2006, Iranian member, Isa79, Kalpase, Kasir, Kave, Kaveh, Kazemita1, Keen ,KhabarNegar, Khakha, Khodai, Kolbadinezad, Ladsgroup, Leyth, M7S6M, Mahboub v, Mahmoudinejad, Mahyar Ahmadi, Mammadkha, Mardetanha, Marvian, Masood Matin, Mehdi, Mehran ,Mehranshargh, Mehrshad.paksirat, Meisam, Mirghiasi, Mkh121, Mmr21061360, Mohamad61.20, Mohammadbaqer, Mohmadg, Mohsens, Mostafa8026, Motabassem, Mparsa1372, Mroostami Msafarnejad, Muhammad.shafiee, Mzh, Naser1366, Nasiraei, Navid.k, Nersy, Niasar8917021103, Omid, Optional, Orartu, Polyzoarium, PHoBiA, Pajouhe, Pastorals2007, Phillipos, Pouyana, Pro ,translator, Qoqnous, R0stam, Raamin, Razavi0001, Reborn User, Reza1615, Roozitaa, Sa vakilian, Sabbasi mr, Saber13812002, Sadegh50ir, Sajad kahani, Salehin1977, Salvoswede ,Sdfhkjdbhoppiozcxzcvvdvdfk, Senemmar, Sepehrmoush, Serpico, Sicaspi, Socalnighter, Sohrab-F, Somka999, Surena, Taranet, Truth Seeker, Trying, Valy12, Wayiran, Yalda123456 ,ماتی، محمد، رضا، نوژن، همان، بوویا، کاریوس، یاس، 137 ویرایش‌های ناشناس

## منابع تصویر، مجوزها و مشارکت‌ها

پرونده: **Basmala.svg**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Basmala.svg=پرونده: Basmala.svg مجوز: Public Domain همکاران: Wst, Escondites, Ruy Pugliesi, AnonMoos, Baba66, Cirt, خالد حسینی، 12 ویرایش‌های ناشلسی

پرونده: **Mahdi.svg**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Mahdi.svg=پرونده: Mahdi.svg مجوز: GNU Free Documentation License همکاران: Karim derivative work: P30Carl (talk) (Mahdi.JPG)

پرونده: **Shaykh Saduq Kamal al-din-jpg**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Shaykh\_Saduq\_Kamal\_al-din-jpg=پرونده: Shaykh\_Saduq\_Kamal\_al-din-jpg مجوز: Public Domain همکاران: Behzad.Modares, ZxxZxxZ

پرونده: **Al Askari Mosque.jpg**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Al\_Askari\_Mosque.jpg=پرونده: Al\_Askari\_Mosque.jpg مجوز: Public Domain همکاران: Toshiro

پرونده: **Hadith Ali.svg**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Hadith\_Ali.svg=پرونده: Hadith\_Ali.svg مجوز: Creative Commons Attribution-Sharealike 3.0 همکاران: User:P30Carl

پرونده: **ibm\_babawaih\_letter.jpg**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=ibm\_babawaih\_letter.jpg=پرونده: ibm\_babawaih\_letter.jpg مجوز: Public Domain همکاران: Original uploader was Ali Esfandiari at fa.wikipedia

پرونده: **Mahdi.JPG**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Mahdi.JPG=پرونده: Mahdi.JPG مجوز: Creative Commons Attribution-Share Alike همکاران: 2001:558:6033:34:40FA:91CE:DE24:DB15, April8

پرونده: **جراغانی-خیابانها-۲.jpg**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=جراغانی-خیابانها-۲.jpg=پرونده: جراغانی-خیابانها-۲.jpg مجوز: ناشناخته همکاران: User:Mostafa8026

پرونده: **ibm\_babawaih1.jpg**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=ibm\_babawaih1.jpg=پرونده: ibm\_babawaih1.jpg مجوز: Public Domain همکاران: Original uploader was Ali Esfandiari at fa.wikipedia

پرونده: **Kaaba.png**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Kaaba.png=پرونده: Kaaba.png مجوز: GNU Free Documentation License همکاران: Original uploader was Mbenois (M. Benoist) at fr.wikipedia

پرونده: **The declaration of Shi'ism as the state religion of Iran by Shah Ismail -Safavids dynasty.jpeg**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=The\_declaration\_of\_Shi'ism\_as\_the\_state\_religion\_of\_Iran\_by\_Shah\_Ismail\_Safavids\_dynasty.jpeg=پرونده: The\_declaration\_of\_Shi'ism\_as\_the\_state\_religion\_of\_Iran\_by\_Shah\_Ismail\_Safavids\_dynasty.jpeg مجوز: Public Domain همکاران: Behzad.Modares, Deanlaw

پرونده: **Jamkaran Mosque-3855.jpg**: منبع: http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Jamkaran\_Mosque-3855.jpg=پرونده: Jamkaran\_Mosque-3855.jpg مجوز: Creative Commons Attribution-Sharealike 2.5 همکاران: Fabienkhan

## اجازه‌نامه

Creative Commons Attribution-Share Alike 3.0  
/creativecommons.org/licenses/by-sa/3.0/